

اشعار جناب نعیم

و شرح آن

موسوم

جناب نعیم

جلد دوم

تالیف

جناب اشراق خاوری

مقدمه
سسسسس

استدلالیه منظوم جناب نعیم علیہ رضوان اللہ یکی از
شاهکارهای ادبی و استدلالی عصر رسولی دور مقدس بهائوسی
است که در هر یک از ابیات آن به یک یا چند مورد از آیات کتب
مقدسه و اخبار و احادیث مرویه اشاره شده است و مجموعاً
گنجینه گرانبھائی از نکات آموزنده تاریخی و دقایق علمی و
استدلالی و عرفانی است که بطور جالب و بی نظیری برشته نظم
کشیده شده است • این مجموعه چه در زمان ناظم و مصنف
جلیل القدرش و چه بعد از آن بارها منتشر شده و مورد استفاده
علاقتمندان و مشتاقان قرار گرفته است تا اینکه اخیراً فاضل ارجمند
جناب اشراق خاوری علیہ رضوان اللہ شرحی بر بعضی از ابیات
آن نگاشته و مجموعه اشعار و شرح آنرا در دو جلد تالیف کرده و به
" جنات نعیم " تسمیه فرمودند •

جلد اول " جنات نعیم " با مقدمه ای از مولف در سال
۱۳۰ بدیع منتشر شد و اینک جلد دوم آن که پس از تنظیم و
مقابله بصورت کتاب حاضر آماده شده است برای استفاده
طالبان و علاقتمندان منتشر میگردد • نظر به اینکه شرح اشعار
بطور متوالی و به ترتیب بندهای مندرج در اصل مجموعه اشعار
تنظیم شده است لذا تهیه فهرست برای آن ضروری تشخیص

مؤسسه علمی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع

بند یکم

- ۱- باز آمد بهار و آمد گل
لاله ویاسی و سوسن و سنبل
- ۲- تکیه زد بر سریر شاه بهار
خطبه خوان شد بتهنیت نابل
- ۳- ابرزد آب و باد زلفت جهان
برق زد تیغ و رعد کوفت دهل
- ۴- از سواره و پیاده صف بستند
در چمن لشکرشکوفه و گل
- ۵- پس بهر جانب از نسیم و شمیم
بفرستاد انبیا و رسول
- ۶- تا بهر شاخ مرده گوید قم
تا به مرغ خفته خواند قل
- ۷- تا بپوید جماد سوی نبات
رو بقمصد گنبد قطع سبل
- ۸- همه اجزاء کائنات شوند
حاضر اندر حضور حضرت کل
- ۹- تا به بینند قول رب رحیم
کیف یحیی العظام و هی رمیم

داده نشد و برای اطلاع بیشتر از چگونگی تالیف کتاب
خوانندگان ارجمند ممکن است به مقدمه مندرج در ابتدای
جلد اول مراجعه فرمایند.

لجنة مطالعات و انتشارات ملی

تألیف: ...
ترجمه: ...
مطبع: ...
تاریخ: ...

۱-۹- معنی واضحست و بیت اخیر ما خود از آیه مبارکه قرآن است
در سوره یس آیه ۷۸ نازل شده قوله تعالی من یجس العظام
وهی رمیم قل یحییها الذی انشأها اول مره یعنی : چه
کسی استخوانهای پوسیده را زنده میکند بگوان کسیکه در اول مرتبه
آن را ایجاد فرمود سرسبزی زمین بعد از زمستان شبیه بزنده شدن
مرده پوسیده است که بنفحه بهار جان تازه میابد •

بند دوم

۱- گل حمراء شگفت در گلشن

با بلان دیده شماروشن

۲- مقدم فرخ مبارک گل

باد میمون به بلان چمن

۳- میدهد مژده صلصل و قمری

میزند خنده سلبل و سوسن

۴- گوید آن گل برآمد از سرشاخ

که برآمد ز بلان شیون

۵- آمد آن گل که بود در همه عمر

خسته خار ابتلا و محسن

۶- آمد آن گل که دیده در همه وقت

بلان نش اسیر زاغ وز غسن

۷- یعنی آن گل که شصت سال کشید

زحمت از بارود لست از دشمن

۸- تا بفرمان و حکم حق سازد

تیغ را داس و نیزه گاو آهن

۹- صیحه صلح شرق و غرب زند

طبل ترک سلاح و حرب زند

۱-۹- معنی واضحست و بیت ۸ و ۹ اشاره بنبوت اشعیای
 است که در فصل یازدهم کتاب خود درباره آثار ظهور موعود کمال
 ادیان، جمال قدم جل جلاله فرموده که در آن روز مردم بر اثر
 دستور الهی ترک جنگ و جدال میکنند و اسباب جنگ را بآلات زراعت
 و صنعت تبدیل مینمایند.

بند سوم

- ۱- مژده یاران که یار یار شماست
- وقت کار است و کار کار شماست
- ۲- آنکه شد مرکز توجه خلق
- متوجه سوی دیار شماست
- ۳- آنکه سرها بپایش افشانند
- او کنون تاج افتخار شماست
- ۴- بشتابید و جان نثار کنید
- که سر و جان ما نثار شماست
- ۵- شهر یاری که شهر بندعدر
- بود صد شکر شهر یار شماست
- ۶- ما نکردیم خدمتی بسزا
- دیده ما درانتظار شماست
- ۷- چشم بد دور چشم اهل جهان
- بنماشای روزگار شماست
- ۸- گل سوی بیوستان آمد
- نوبت ناله های زار شماست
- ۹- مژده ای ببلان بهار آمد
- بهتر از صد بهار یار آمد

۱-۹- معنی ابیت واضحست • واین بند در باره تبریک شـرق
بغرب است که حضرت عبدالبهاء جل ثنائه از شرق بدیا رغرب
برای تبلیغ امرالله و نشر کلمه الله سفر فرمودند در این بند اینموهبت
رابباران غرب تهنیت میگوید •

بند چهارم

۱- سرزد از مغرب آفتاب و قـار

شرق از آن لیل گشت و غرب نهار

۲- این همان آفتاب مستقراست

که کنون چون فلک بسود دوار

۳- این همان آفتاب مشهور است

که بدور زمین بسود سیار

۴- این همان آفتاب نورانی است

کز خطایای خلق گردد تـار

۵- این همان آفتاب کز مغرب

مینماید طلوع روز شمـار

۶- این همان آفتاب کز مشرق

تافت بر غرب و دیدیش آثار

۷- این همان آفتاب عهد کـزو

مقبس گردد آنجم اقمـار

۸- این همان آفتاب روحانی است

که از او خیره میشوند ابصار

۹- غرب را گویند بشرق بساز

شرق را گویند بهجربساز

۱-۹- معنی ابیات واضحست * در بیت اول طلوع آفتاب از
 مغرب را که از علامات ظهور موعود اسلام است بطلوع شمس جمال
 عهد و میثاق از افق غرب تأویل نموده این بیان صرفاً برای تشبیه
 است و معنی حقیقی طلوع شمس از مغرب که در احادیث اسلام
 وارد شده از قبیل نگاشته شده و در بیت پنجم هم این مثل و تشبیه
 تکرار شده است *

بند پنجم

۱- بر شما بنده جمال قدم

شد نماینده جمال قدم

۲- در جمال جمیل او بیند

رخ رخسوده جمال قدم

۳- و از بیان بلیغ او شنوید

نطق زبیده جمال قدم

۴- و از صفات نکوی او نگریید

خوی فرخنده جمال قدم

۵- و از لب لعل او نظاره کنید

لب پر خنده جمال قدم

۶- و از عطایای او بیاد آرید

کف بخشنده جمال قدم

۷- بشتابید تا چو مال شوید

خوار و شرمنده جمال قدم

۸- در رهش بندگی کنید و شوید

بنده بنده جمال قدم

۹- گر شما بندگی ز سر گیرید

بخدا از بندگی ز سر گیرید

۱-۹- معنی واضحست • مقصود از بنده جمال قدم در پیست
هشتم حضرت عبدالبهاء جلّ سلطانه هستند که خود را در الواح و
آثار عبدالبهاء نامیدند نصوص این الواح در مکاتیب دوم و غیره

مندر جست •

بلد ششم

۱- ملك ايران بكشور امريك

میفرستد به میمنت تبریک

۲- که مبارک قدم مرکز عهد

باد میمون بخطه امریک

۳- شمس مشرق بر آمد از مغرب

لیک مشرق از آن نشد تاریک

۴- کآیت وحدت حقیقی حق

که ندارد بدیل و شبه و شریک

۵- کرده یک خطه مشرق و مغرب

کرده یک فرقه دیلم و تاجیک

۶- داده دلها چنان بهم پیوند

که نیابد الی الابد تفکیک

۷- گرچه از راه آب و گل دورند

لیکن از راه جان و دل نزدیک

۸- گفت و البته ساری و جاری است

در ممالیک و ملک حکم مایک

۹- که بود نوزد ازاد بشر

آمده وقت اتحاد بشر

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • تعالیم مهار که را در این بند
 با اشاره ذکر کرد و از بعد هم بتفصیل خواهد آمد در بیت ۴ جمله
 احسن التقویم در قرآن مجید است که درباره خلقت انسان فرموده
 لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم یعنی ما انسان را در بهترین
 صورت و اندام متناسب و زیبا خلق کردیم (سوره والتین)

بند هشتم

- ۱- گر مسلمان و گبر و بودائیم
 گریه و دهن و توستائیم
- ۲- گرز روس و پیروس و روم و حبش
 ز انگلیسیم یا فرنسائیم
- ۳- گر ز امریک و گرز آفریکیم
 ز آسیایاکه از اروپائیم
- ۴- مردیک خاک و طفل یک وطنیم
 خلق یک شهر و اهل یک جائیم
- ۵- گرسفیدیم و زرد و سرخ و سیاه
 چار طبع وجود یکتائیم
- ۶- همه این اسمهای رنگارنگ
 خوش بشوئید یک مسائیم
- ۷- این همه حد و سدّ چراسازیم
 ماکه چادر نشین بصحرائیم
- ۸- جنگ ادیان خراب کرد جهان
 ماکنون صلح جوی دنیائیم
- ۹- این جهان مبتلا به رنج و عناست
 چاره اش منحصر بدین بهاست

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و احتیاجی بشرح نیست •

۱- ۶- معنی ابیات واضحست • و احتیاجی بشرح ندارد و در
 باره سفر مبارک حضرت عبدالبهاء جل سلطانہ بخطہ غرب وکشور
 امریکا اشاره کرده است •

بنده شکتیم

۱- ایها الناس ما همه بشریم

بندهٔ تیک خدای داد کریم

۲- خواهران و برادران همیم

چون زیبک مادر زیبک پدریم

۳- هم بیک صورت و بیک هیئت

هم زیبک عنصر زیبک گهریم

۴- متشکل با حسن التقویم

متصور با عدل الصوریم

۵- هیچ درنده جنس خود ندارد

ما چرانوع خویشتن بدریم؟

۶- مدتی رنج دشمنی بردند

حالیاعیش دوستی بریم

۷- متوطن درون خانه تنگ

از چه رودشمنان یکدیگریم

۸- همه دانیم با یکداریم

گرفریب سمتگران نخوریم

۹- میزند صاحب جهان فرهاد

بستگان رسته بندگان آزارد •••

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • تعالیم مبارکه رادراین بند
 باشاره ذکرکرد وازبعد هم بتفصیل خواهدآمد در بیت ۴ جمله
 احسن التقویم در قرآن مجید است که درباره خلقت انسان فرموده
 لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم یعنی ما انسان رادریهترین
 صورت واندام متناسب وزیبا خلق کردیم (سوره والتین)

بند هشتم

- ۱- گر مسلمان وگیر و یهودائیم
 - گر یهود و هند و ترسائیم
 - ۲- گرزوس و یروس و روم و حبش
 - زانگلیسیم یا فرسائیم
 - ۳- گر زامریک وگرزافرکییم
 - زانسیایاکه از اروپائیم
 - ۴- مردیک خاک و طفل یک وطنیم
 - خلق یک شهر و اهل یک جائیم
 - ۵- گرسفیدیم و زرد و سرخ و سیاه
 - چار طبع وجود یکتائیم
 - ۶- همه این اسمهای رنگارنگ
 - خوش بشوئید یک مسائیم
 - ۷- این همه حد و سد چرا سازیم
 - ما که چادر نشین بصحرائیم
 - ۸- جنگ ادیان خراب کرد جهان
 - ما کنون صلح جوی دنیائیم
 - ۹- این جهان مبتلا به رنج و عناست
 - چاره اش در عصر بدین بهاست
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و احتیاجی بشرح نیست •

بندهم

- ۱- این همه تیب و توپ و طیاره
- این همه تیرو تیغ و خمپاره
- ۲- و این همه نیزه و تفنگ و فشنگ
- موز رو پیشتاب و قداره
- ۳- این همه بمب و این همه بالون
- این همه حصن و این همه باره
- ۴- این همه موج فوج خنجرکش
- این همه جوش جیش جراره
- ۵- تا نمائیم ما همه خود را
- خوار و زار و اسیر و آواره
- ۶- نیم ما خون نیم ماریزد
- بمرا دسه چارخو نخواره
- ۷- پس ببایست چاره ناچار
- جست از بهر خلق بیچاره
- ۸- شصت سال است طلعت ابهی
- گوید ای فرقه ستمگاره
- ۹- مجلس صلح خواه میباید
- برشهان پادشاه میباید

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و اشاره بتعلیم مبارک جمالقدم
- جل جلاله در باره انعقاد محاکمه کبرای بین المللی برای رفع
- جنگ وجدال است که شرح آن در الواح مبارکه نازل شده و در
- دسترس عموم موجود است •

بند دهم

- ۱- این همه در جهان جدال بس است
ای سلاطین و ای رجال بس است
- ۲- این همه قتل و نهب و خونریزی
ز آنچه کردید تا بحال بس است
- ۳- این همه اختراع و صنع جدید
بهر تضییع جان و مال بس است
- ۴- این همه مکر و حیله و تدلیس
از پی فتنه و قتال بس است
- ۵- این همه صرف مال قوم ذلیل
از پی عزت و جلال بس است
- ۶- این همه خرج و این همه اسراف
این همه بر جهان و مال بس است
- ۷- بر بیتیمان و بیوگان آزار
برستم دیدگان ملال بس است
- ۸- به رعایای مستمند فقیر
بهر جنگ این همه مقاتل بس است
- ۹- که باین مال و این منال زیاد
میتوان کرد این جهان آباد

- ۱- معنی ابیات واضحست • مضامین والواح الهیه در این
بند با جمال ذکر شده برای تفصیل بنصوص مبارکه مراجعه شود •

بند یازدهم

- ۱- ای خدا جو خدات میخواند
حضرت کبریات میخواند
- ۲- ذات باقنی ز عالم فانی
سوی ملک لقات میخواند
- ۳- ای تومشتاق و منتظر پشتاب
حق ببزم لقات میخواند
- ۴- ای زمین تو آسمانی شو
کز زمین برسمات میخواند
- ۵- حق یکتا میان جنگ وجدال
سوی صلح و صفات میخواند
- ۶- بندگانش غریق بحر هلاک
از برای فدایت میخواند
- ۷- شاه دین ای گدای رایشین
در صف انبیات میخواند
- ۸- جانب صلح کل صلاح عموم
سوی دین بهات میخواند
- ۹- سعی در اتحاد من فی الارض
هست بر ذمه خلایق فرض

۱- ۹- معنی ابیات واضحست *

بعد از بند ۱۱ در نسخه اصل بی نمره بوده است *

- ۱- هر که گوید مصور من کیست
خالق جان و رازق من کیست
- ۲- گوش را قابل شنیدن ساخت
چشم را مستعد دیدن کیست
- ۳- آفریننده سپهر و نجوم
بانی این مقام و مسکن کیست
- ۴- برفرو زنده مه و خورشید
در شب تار و روز روشن کیست
- ۵- صانع کل مشوق بابل
مجلس آرای باغ و گلشن کیست
- ۶- لاله افروز تپه و صحرا
گوهر اندوز کوه و معدن کیست
- ۷- فرق طاوس را بتاج گهر
آنکه سازد چنین مزین کیست
- ۸- کیست الفت ده زر و زینتی
آتش افروز سنگ و آهن کیست
- ۹- همه گویند بادل آگاه
و حده لا اله الا الله

۱-۹- معنی واضحست * این بند و چند بند دیگر که بعد از این است درباره اثبات خالق و صانع جهان است البته دقت خواهید فرمود *

بعد از بند ۱۱ در اصل نسخه بی نمره بوده است

۱- ایدل ایدل بیابخلوت راز

خلوتی باخدای خویش بساز

۲- لذتی از حیات و عمر بگیر

در خلدی بروی خود کن بساز

۳- عیشی آیا از این بود خوشتر

که تو باشی و یارو خلوت راز ...

۴- دست و رورا بآب صدق بشوی

کیرو کین را بزیر پای انداز

۵- در حضور خدای خویش بایست

با خضوع و خشوع و سوز و گداز ...

۶- دست حاجت بزن بدامن فضل

روی طاعت بنه بخاک نیاز

۷- شرح راز و نیاز خویش بگوی

در بر کار ساز بنده بسواز

۸- سر خلقت بچشم خویش ببین

زانکه معراج مومن است نماز

۹- انما الرب بالربوبیه

خلق الخلق لله و لله

۱-۹- معنی ابیات واضحست • بیت هشتم شامل حدیثی است از پیغمبر اکرم که فرموده اند الصلاة معراج المؤمن و بیست نهم اشاره بحدیثی از حضرت صادق علیه السلام است که در تفسیر آیه مبارکه قرآن وما خلقت الجن والانس الا لیهبـدون فرموده اند یعنی خدا فرموده من خلق نکردم خلق جهان را مگر برای عبادت و مقصود از عبادت را عرفان فرموده اند •

بعد از بند آ در نسخه اصل بی نمره بوده است

۱- دل کجا یاد دلستان نکند

یاد آن یار مهربان نکند

۲- شب سازد سحر شب آهنگی

بهو و الحق اگر فغان نکند

۳- بر نیاید دم و فرو نرود

ذکر یا ها و اگر بیان نکند

۴- قطره آب می نوشد مرغ

تا که سرسوی آسمان نکند

۵- دانه از خاک بر ندارد مور

سجده اش تا بر آستان نکند

۷- ندمد برگ تا همه تن را

از پی مدحتش زبان نکند

۸- نیست خلقی که عرض حاجت خود

با خداوند رازدان نکند

۹- همه در فکر و ذکر و توحیدند

در نماز و نیایش و توحیدند

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • این بند نیز درباره خدا جوئی
ممکنات و دلالت موجودات بر وجود حضرت آفریدگار است و بیست
آخر اشاره بآیه قرآنیّه است که فرمود ان من شی الا یسبح بحمده...
یعنی هیچ چیزی در عالم نیست مگر آنکه بسنا پیش الهی مشغولست
(سوره الاسراء یا بنی اسرائیل آیه ۴۳)

بعد از بند ۱۱ در نسخه اصل بی نمره بوده است

- ۱- نیست کس کز خدا رجا نکند
- وقت غم بروی التجا نکند
- ۲- مشرکی نیست کومیان بلا
- چون موحد زحق رجا نکند
- ۳- کافری نیست کویوقت خطر
- همچو مخلص بدل دعا نکند
- ۴- کافری نیست کایگاه امید
- طلب حاجت از خدا نکند
- ۵- هیچ بیدین درد مندی نیست
- کز خدا خواهش شفا نکند
- ۶- گر خطائی کند خطا کاری
- ذاتش از ذات خود خطا نکند
- ۷- طبع بی اختیار مآدا ناست
- نیست کاری که بجز جانا نکند
- ۸- چون بیا اختیار مآدا نند
- کاری بی اختیار مآنا نکند
- ۹- طبع و نفس و خرد که بی زبی اند
- همه بالذات بندگان وینند

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • این بند هم درباره اقبالیات
الوهییت ودالات ممکنات بر وجود حضرت پروردگار است •

بند دوازدهم

۱- هستیت داد آنکه هستی هست

کش بهالای دست دستی هست

۲- گاه پستت نمود و گاه بلند

تا بدانی بلند و پستی هست

۳- او پرستش سرشته در گل تو

زان خداجوی ویت پرستی هست

۴- دهدت سیر خواب تا دانی

غیر از این منزلت نشستی هست

۵- و از پس خواب میکند بیدار

که درستی پس از شکستی هست

۶- نه بخود آمدی نه باز روی

دستگیری و پای بستنی هست

۷- گاه شادت نمود و گاه غمگین

گو کجایی شراب مستنی هست

۸- دعوت انبیا کند ظاهر

که بهر دوره استنی هست

۹- صنعها کرد تا نور آورد

آنکه آورد رهنمائی کرد

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • برای معنی بیت اول بهتر آنستکه بمقاوضات درضمن ادله اثبات الوهیت که ازلسان مرکزعهد الهی صادر شده مراجعه کنیم زیرا بتفصیل این مطلب ازلسان اطهر جاری شده است بقیه ابیات آشکاراست و بیت هشتم در تفسیر و شرح معنی الست است که در قرآن مجید وارد شده و تفصیل آن در بند نهم جلد اول ذکر شده مراجعه فرمائید •

بند سیزدهم

- ۱- مردکان مردکاز میخواهد
- صاحب اختیار میخواهد
- ۲- این همه عضو ظاهر و باطن
- روح فرمان گذار میخواهد
- ۳- این همه خلق مختلف مشرب
- ملکی ملک دار میخواهد
- ۴- این حرف مویلف مخرج
- ناطقی هوشیار میخواهد
- ۵- این همه چرخ و آلت ماشین
- کاروان مردکار میخواهد
- ۶- این همه نقش مرد و اسب و گیاه
- شخص صورت نگار میخواهد
- ۷- این همه شاخ و برگ و میوه و تخم
- ساقه استوار میخواهد
- ۸- این همه دستگاه ارض و سما
- قادر کردکار میخواهد
- ۹- در جهان جمله هیچ کثرت نیست
- که هم او منتهی بسوحدت نیست

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • این بند هم درباره اثبات صانع است و مضمون بیت نهم ما خود از الواح حضرت عبدالبهاسـت برای تفصیل و زیارت الواح مزبوره بمکاتیب جلد سوم صفحه ۳۸۳ و بلوح دکتر فورال و غیره مراجعه فرمائید که در آن آثار مبارکه شرح منتهی شدن کثرات را بوحدهت در نهایت وضوح بیان فرموده اند •

بند چهاردهم

- ۱- کیست آنکس که جمع ضد کرده
ضد و نداد را بهم ممد کرده
- ۲- جز جز تمام عالم را
از دگر جز مستمد کرده
- ۳- احتیاج وجود هر موجود
قیل از ایجاد ملوحد کرده
- ۴- بهر امکان کون هر ممکن
سم و تریاق مستعد کرده
- ۵- در جمیع صنایع محصور
صنع بی حصر منقصد کرده
- ۶- همه اضداد را بیکدیگر
بهر ترکیب متحد کرده
- ۷- ماه و خورشید و باد و باران را
از بی پرورش معدد کرده
- ۸- حل و ترکیب را بیک ترتیب
بجد آن ذات منفرد کرده
- ۹- آنچه باید کم و زیاده نداد
عقل داد که بی اراده نداد

۱-۹- معنی ابیات واضحست • در این ابیات استدلال برای اثبات وجود خالق با اراده و شعور فرموده است و مضامین مأخوذ از لواح حضرت عبدالبهاسست برای تعقیب بلوح دکتر فورال و امثال آن مراجعه شود •

بند پانزدهم

- ۱- وعد حق را بهر پیمبرین
در حق نسل او مقربین
- ۲- نوح گوید خدا بخانه سام
در همه نسل او پیمبرین
- ۳- باز گوید غلام او کنعان
نسل او را غلام و چاکرین
- ۴- هم بیافت خداد هوسعت
نسل او فاتح و توانگرین
- ۵- وعد حق بین بحق ابراهیم
نسل او با شمارا خیرین
- ۶- و آنچه گوید برای اسمعیل
در تبارش ده و دو سرورین
- ۷- و آنچه یعقوب بایهودا گفت
نسل او بر بهود مهترین
- ۸- گفت دشمن که ابتر است احمد
نسل این کوثر آن یک ابترین
- ۹- جز توانای پاک پاینده
کیست دانای راز آینه شده

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • در این بند از طریق نبوت‌های انبیای قبل و تحقق آن نبوتها استدلال بوجود حضرت عالم الغیب میفرماید و نتیجه میگردد که اگر خدای عالم الغیب موجود نباشد انبیای الهی آنچه را پیشگویی فرموده اند و تحقق یافته از چه راه خواهد شد و اینک مندرجات ابیات •

۱- ۲- در سفر تکوین فصل ۹ فقره ۲۰ از قول نوح نبی میفرماید خدا یافت را وسعت دهد و درخیمه های سام ساکن شود این نبوت تحقق یافت و انبیای الهی از نژاد سامی مبعوث شدند •

۳- ۴- مضمون این دو نبوت درباره غلامی کنعان و بزرگسالی و ثروتمندی یافت دو پسر نوح از قول حضرت نوح در سفر تکوین فصل نهم فقره ۲۵- ۲۹ مسطور است کنعان بصریح تورات (فصل ۹ تکوین) پسر حام بود و حام فرزند نوح بود که بواسطه سوء رفتار پدرش حام ملعون شد و غلام برادر خود گردید و پسران یافت بر حسب مندرجات فصل دهم تکوین فقره دوم به بعد همه بزرگ و رئیس و ثروتمند شدند اما نند جو مرمو جوج و مادان و باوان و توبال و غیره عظمت و جلال آنان از قرائت فصل ۳۸ کتاب حزقیل که درباره آنان نبوت فرموده بخوبی آشکار میشود و تا امروز هم بر حسب مشهور اولاد کنعان بمنزله غلام اند یعنی سیاهان افریقائی که تا چندی خرید و فروش میشدند برای تفصیل بفصل دهم تکوین مراجعه شود •

۵- وعده خدا با ابراهیم درباره زیاد شدن نسلش در سفر تکوین

فصل ۱۲ فقره اول بعد و فصل ۱۳ و غیره مسطور است و تحقیق آن مشهود و واضحست •

۶- در فصل هفدهم تکوین فقره بیستم درباره اسمعیل فرموده که برکت خواهد یافت و دوازده رئیس از نسلش ظاهر خواهد شد و امتی عظیم از او آشکار خواهد گشت این نبوت تحقق یافت و دوازده پسر اسمعیل ریاست یافته و از هر کدام امتی بوجود آمد که در فصل ۲۵ تکوین آیه ۱۶ ذکر شده است مسیحیین دوازده رئیس را همین دوازده فرزند بلا فصل اسمعیل میدانند اما شیعیان اسلام آنان را بدوازده امام علیه السلام تعبیر کرده اند و میگویند اینها روسای روحانی هستند که از اولاد اسمعیل هستند و پسران بلا فصل اسمعیل بموجب فصل ۱۵ تکوین بجز قید لرسائیرین ریاستی نداشتند و این بحث مفصل و باید بکتاب طرفین^{است} مراجعه شود •

۷- مطابق مندرجات فصل چهارم تکوین آیه دهم یعقوب درباره اولاد پسر خود یهودا وعده سلطنت داد تا زما نیکه شیلوبیا دید مقصود از شیلو حضرت مسیح است و تا ظهور آن حضرت سلطنت در خاندان یهودا پسر یعقوب باقی بود و در سال دوازدهم میلادی از خلاوس آخرین سلطان این خاندان مغلوب رومیان گردید و نبوت یعقوب تحقق یافت •

۸- ۹- حضرت رسول (ص) چند فرزند ذکور و ناث داشتند که وفات یافتند و بجز حضرت فاطمه زهرا (ع) برای آن حضرت فرزندی

باقی نماید دشمنان رسول الله گفتند که محمد (ص) ابتر و بلا عقب
 است و از نسل او کسی باقی نماند لهذا اسوره کوثر در باره رسول ^{الله}
 (ص) نازل شد که میفرماید ای محمد (ص) ما بتو کوثر را عطا کردیم
 و دشمنان تو ابتر و بلا عقب خواهند بود و از نسل کوثری باقی خوا
 ماند مفسرین کوثر را از کلمه کثیر گرفته اند و شیعیان گفته اند که
 مقصود از کوثر حضرت فاطمه (ع) است بهر حال این نبوت تحقق
 یافت و آل رسول که امروز بسیار هستند و نسل مخالفین و دشمنان
 رسول (ص) از بین رفت .

بند شانزدهم

۱- بین بصدق کلیم و طبق کلام

چار بعثت شده بچار مقام

۲- بنگر داده دانیال بیس

خبر از سه ظهر و سه ایام

۳- شد زمان نبوت احمد

به هزار دویست و شصت تمام

۴- شصت و نه هفته بود تا بمسیح

تا بهاد و هزار و سیصد تمام

۵- باز چون دانیال یوحنا

میکند دوظهور را اعلام

۶- مصطفی سال عیسی و مهدی

اربعین گفت و سبعه اعوام

۷- چار نعت از چهار پیغمبر

وصف قائم ببین و صدق امام

۸- آنچه قائم بوصف ابهی گفت

صدق واقع ببین بطریق کلام

۹- این خبرها که داده ربّ اللّٰه

در بیاید بهیچ حدس و قهاس

۱- ۹- معنی ابیات واضحست .

حاشیه راجع به بند ۱۲ تا ۱۶

در این بندها با قلمه دلائل برای اثبات الوهیت پرداخته است مفاد بند ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ واضحست و در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء مفضلاً این مطالب نازل شده و نعیم خلاصه آنرا در ضمن بند های مزبور آورده است اما بند ۱۵ شامل دلائل اثبات الوهیت است از راه تحقق بشارتیکه در باره مطالب مختلفه در کتب آسمانی وارد شده زیرا اگر ذات غیب موجود نباشد و از راه احاطه علمیه آن بشارت را قبل از تحقق بانبیاء ابلاغ نکند چگونه ممکن است که انبیاء در باره مطلبی سخنی بگویند و بعد از مدتها تحقق پیدا کند •

اینک شرح آن مطالب راجع به حضرت نوح و بشارت او در باره اولادش در سفر تکوین فصل ۹ آیه ۲۷ راجع به یافت و در فصل ۱۱ آیه ۲۶ در باره ثبوت نبوت در نسل سام و در فصل ۹ آیه ۲۵ بعد در باره ملعون بودن کنعان و سایر مواضع مطالبی مذکور است و همه این مطالب تحقق یافت بر حسب مندرجات سفر تکوین فصل ۹ کنعان پسر حام فرزند نوح بود که بواسطه سوء رفتار پدر ملعون شد و پسران یافت مطابق مندرجات فصل تکوین روسای طوایف بزرگ بودند که قدرت و عظمت داشتند و شرح عظمت آنها در باب ۳ کتاب حزقیال نبی مسطور است • اما اولاد کنعان ذلیل و زبردست بودند برای تفصیل بفصل ۱۵ تکوین مراجعه شود • اما وعده حق راجع به

ابراهیم و زیادی نسل او در سفر تکوین فصل ۱۷ و فصل ۱۲ آیه ۵ مذکور است اما بشارت در باره اسماعیل و ۱۲ رئیس از نسل او در فصل ۱۷ تکوین آیه ۲۰ وارد شده اما گفتار یعقوب در باره فرزندش یهودا در باب ۴۹ تکوین آیه ۱۰ بعد ذکر شده و مطابق این بشارت سلطنت در خاندان یهودا پسر یعقوب تا ظهور حضرت مسیح باقی بود همانطور که یعقوب فرموده که سلطنت از یهودا قطع نشود تا آنکه شیلو بیاید مقصود از شیلو حضرت مسیح است •

در سال ۱۲ میلادی ارکلاوس پادشاه یهودا بود که از سلطنت خلع شد و کیولیوس رومی از جانب سلطان روم بر یهود حاکم شد و بشارت یعقوب بعد از هزار و چند صد سال تحقق یافت • اما بشارت کوثر در باره حضرت رسول و ابتر در باره مخالفین آن حضرت در قرآن مجید در سوره کوثر نازل شده و بشارت داده که نسل رسول الله زیاد خواهد بود و دشمنانش ابتر و بلا عقب خواهند شد انما اعطیناک الکوثر • اما مطالب مندرجه در بند ۱۶ از این قرار است بیت اول اشاره به آیه دوم باب ۳۳ تورات تشبیه است که خیر از چهار ظهور یعنی ظهور حضرت موسی و عیسی و رسول الله و جمال قدم داده است و شرح این مطلب در جلد اول گذشت • اما بیت دوم تا ۴ راجع به بشارت دانیال است که در فصل ۱۲ آیه ۷ خیر از ظهور رسول الله و مسیح و جمال قدم داده است و در فصل ۸ راجع به ۲۳۰۰ سال بشارت داده که مقصود ظهور این امر

مبارک است و شرح این بشارات در کتاب مفاوضات بتفصیل ذکر شده است بیت پنجم اشاره به باب ۱۱ مکاشفات یوحناست که بظهور رسول الله و جمال قدم و حضرت اعلی بشارت داده و شرح آن مفصلاً در کتاب مفاوضات نازل شده است • بیت ششم اشاره با حدیثی است که درباره نزول عیسی و ظهور مهدی از حضرت رسول و ائمه اطهار روایت شده و فرموده دوره دعوت مهدی هفت سال و دوره سلطنت رجعت حسینی سال ۴۰ است. خصوصاً احادیث در جلد اول ذکر شد و مصداقش در این ظهور مبارک تحقق یافت زیرا دوره دعوت حضرت اعلی تا شهادت هفت سال بود (۱۲۶۰ - ۱۲۶۶) و دوره دعوت جمال قدم از سنه تسع تا سال صعود ۴۰ سال بود (۱۲۶۹ - ۱۳۰۹) •

بیت هفتم اشاره با حدیثی است که میفرماید در قائم چهار خصلت از چهار پیکمبر است که در جلد اول ذکر شده ۸ - ۹ اشاره به بشارات و انتظاراتیست که در کتاب اقدس و الواح ملوک از قلم جمال قدم نازل شد و بیشتر آنها تحقق یافته و اینها همه دلیل است که این بشارات از طرف خدای عالم محیط غیب دان بمظاہر مقدسه الهام شده است •

بند هفدهم

- ۱- لوح پاریس بین و ناپلئون
کز کفش ملک شد چسان بیرون
 - ۲- بین بلوچ رئیس کز پیدا و
رفت بیرون ادرنه و مادون
 - ۳- لوح برهان و حال رقشابین
که چسان غریبق بحر الهون شد
 - ۴- لوح ایران ببین و خسرا نش
چون دو صبح بهم شده مقرون
 - ۵- لوح اقدس بخوان و مؤذنه او
که توای ارض طامش و محزون
 - ۶- معشرالروم بین و صوت الهوم
کرسی ظلم رابه بین و ارون
 - ۷- ذلت روم بین بلوچ سلیم
مالکم من معین اذ تبکسون
 - ۸- باش تا بنگری شوای رین
بسیوف جزا طپید در خون
 - ۹- سنه فتنه بین و سال شداد
ذل عبدالعزیز و حال فواد
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

حاشیه راجع به بند ۱۷

- ۱- مقصود از لوح پاریس لوح ناپلئون سوم است که در سوره هیکل نازل شده و جمله قل یا ملک الباریس " شروع میشود در این لوح بناپلئون انذار شده قوله تعالی " بما فعلت تختلف الا مورفی مملکتک و یخرج الملک من کفک جزاء عملک اذن تجد نفسک فی خسران مبین " این انذار تحقق یافت برای اطلاع بر حقیق مختوم مراجعه شود •
- ۲- مقصود از لوح رئیس لوح خطاب به عالی پاشاست که انذارات الهی که در آن مندرج بود بوقوع پیوست •
- ۳- مقصود از رقصا که بمعنی مارگزنده است میرسید حسین امام جمعه اصفهان است که به همراهی شیخ باقر ذئب سلطان الشهداء و محبوب الشهداء را شهید کرد و لوح برهان پس از آن خطاب بآن دو از قلم مبارک نازل و وعده عذاب بآنها داده شد و جزای عمل رسیدند •
- ۴- اشاره بلوحیست که از قلم جمال قدم نازل شده و پس از بیاناتی درباره ایران و ایرانیان میفرمایند ••• " زود است دوا صبح متصل شود اذ ایرون انفسهم فی خسران مبین "
- ۵- اشاره بآیه کتاب اقدس راجع بطهران است •
- ۶- اشاره بآیه کتاب اقدس راجع به مملکت عثمانی و خلیفه آنست •
- ۷- مقصود از لوح سلیم لوح سلطان عثمانیست که در آن داستان

- شاه سلطان سنیم و خیمه شب بازی نازل شده و مصراع دوم بیست اشاره باین آیه است که در آن لوح میفرمایند ••• اذن تنوحون و تتضرعون ولن تجدوا لافسکم من معین ولا نصیر •
- ۸- اشاره بآیه کتاب اقدس درباره ساحل نهر رن و شکست آلمان است که در جنگ اول بین المللی بوقوع پیوست • و در زمان مرحوم نعیم هنوز تحقق نیافته بود •
 - ۹- اشاره بالواحیست که درباره بروز فتنه و فساد ناقضین نازل شده و جمال مبارک در لوح فتنه از آن وقایع انذار فرموده و ذکر سینه شداد در همان لوح است لوح فتنه در ادب نازل شد بشرحیکه در صفحه ۴۱۹ بهجه الصد ورمسطور است مقصود از عبد العزیز خلیفه عثمانیست و مقصود از قواد وزیر مورخارجه عثمانی بود در الواح مبارکه جمال قدم نسبت بآنها انذاراتی نازل شد و همه بتحقیق پیوست • برای تفصیل مطالب بکتاب مفصله رجوع فرمائید •

بند هیجدهم

۱- آنچه فرمود طلعت اقدم

در حق غصن اعظم افخم

۲- يك بيك زين سفر شده ظاهر

فاش و پیدانه مجمل و مبهم

۳- باز شد باب سخن و کرد طلوع

آنچه در لوح برنگاشت قلم

۴- غصن امن و امن و حرز جهان

غصن اعظم سقایه کرد امم

۵- گشت از این سقایه ارض قلوب

صفت سبالات علم و حکم

۶- بهر حفظ و غنام و رزق نقوس

از جمال قدم شدا و ملهم

۷- بر همه اهل مشرق و مغرب

مشرق فضل گشت و بحر کرم

۸- قائم دومین نمود قیام

بعبودیت جمال قدم

۹- قوت و قدرت عظیم وجود

کرد بر جمله جهان مشهود

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • این بند اشاره بتحقیق بلوتها^{نیست}

گسه جمال قدم جل جلاله در باره حضرت غصن اعظم

فرمود بدو همه آن نبوات تحقق یافت •

بیت اول تا هفتم اشاره بمندرجات لوح مبارک غصن است که در باره

حضرت عبدالبهاء جل سلطانه نازل شده و ابیات این بند هر يك

اشاره بمندرجات لوح مبارکست این لوح بطبع رسیده و در ادعیه

محبوب و سایر کتب از قبیل ریحیق مختوم مندرجست و آغاز آن بسوح

این است هو اللنا طق علی ما یشاء یا غصنی الاعظم قد حضر لیدی

المظلوم کتابك ••• الخ

۸ - ۹- مقصود از قائم دومین حضرت غصن اعظمست که بعبودیت

جمال قدم قیام فرمود چنانچه قائم نخست بشارت ظهور مبارک قیام

کرد و مضمون بیت نهم اشاره ببیان مبارک جمال قدم در لوح عهدی

است که در باره غصن اعظم فرموده یا اغصانی در وجود قوت عظیمه

و قدرت کامله مکنون و مستور ••• " نعیم اشاره فرموده که مقصود

از وجود حضرت غصن اعظمست که قدرت و قوتش بر عالمیان واضح

و آشکار شد برای اطلاع بیشتر بصفحه ۲۵۳ کتاب بهجت الصدور

مراجعه شود •

- ۱- آنچه ذات قدم بیان فرمود
 - ۲- پرده ازوجه امرحق برداشت
 - ۳- تائیدی خطابیه های خوشش
 - ۴- فیلسوف وکشیش واسقف را
 - ۵- هرکرا بدگمان که خصم قویست
 - ۶- ملك ایران واهل ایران را
 - ۷- دین اسلام واسم احمد را
 - ۸- درظهورونزول مهدی وروح
 - ۹- ینزل الروح جَلِّ برهان
- بیلغ الخافقین سلطانیه

- ۱- ۶- معنی ابیات واضحست - و اشاره باثارباهره دوره حضرت
- غصن اعظم است و بیت اخیرا اشاره بحدیث نبوی است که ازطریق
- سنی وشیعه ازحضرت رسول روایت شده که فرمودند . . . ثُمَّ
- ینزل عیسی ویصلی خلفه ویبلغ سلطانه المشرق والمغرب یعنی
- بعد ازحضرت مهدی عیسی نازل میشود و سلطنتش مشرق وغرب
- را فرامیگیرد .

- ۱- زین سفر امرحق هویدا شد
- آنچه پوشیده بود پیدا شد
- ۲- زین سفر نام انبیا و رسول
- که بر افتاده بود انشا شد
- ۳- زین سفر نام حضرت اعلی
- که فراموش بود اعلا شد
- ۴- زین سفر دین طلعت ابھی
- که نهان بود رسم دنیا شد
- ۵- زین سفر خون جمله شهدا
- که ز اموات بود احیا شد
- ۶- زین سفر زحمت همه احباب
- کز میان رفته بود بر جا شد
- ۷- زین سفر چشم و گوش خلق جهان
- که ز حق بود کور و کوروا شد
- ۸- زین سفر هیئت عموم بشر
- بهر اصلاح خود مهیا شد
- ۹- شب بخورشید یا شد آستن
- باش تا زوجهان شود روشن

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • اشاره با آثار باهره سفره یکل
- مبارک حضرت عبدالهها بخریب یعنی اروپا و امریکا است
- و بیت نهم اشاره بمثل معروف است که میگوید اللیل حبل
- • • یعنی شب آستن بوقایع روز بعد است •

بند بیست و یکم

۱- هرنی دعوت از او داکرد

فصن اعظم میان اعدا کرد

۲- دعوت فرقهٔ یهودی را

در کنائس سوی مسیحا کرد

۳- دعوت امت نصاری را

در کلیسا بشاه بطحا کرد

۴- دعوت ملت مسلمان را

در مساجد بدین ابهی کرد

۵- دعوت اغنیاء بیضا را

در مجالس بحشر سودا کرد

۶- دعوت اهل علم ادنی را

در مدارس بعلم اعلا کرد

۷- دعوت دهری و طبیعی را

در محافل بذات یکتا کرد

۸- دعوت فرقه سیاسی را

حصر در جمع دین و دنیا کرد

۹- نصر عیده انجزوعده

دعی الاحزاب وحده وحده

انام معنی ابیات واضحست و بیت پنجم اشاره ببیان است
هار که در باره نژاد سفید و سیاه است که میفرماید نباید نژاد سفید
از سیاه اجتناب کند و باید با یکدیگر محشور و معاشر باشند زیرا همه
بنده خدا هستند " و بیت آخر مضمونش اینست که خداوند بنده
خود را نصرت فرموده و وعده خود را وفا کرد و بهدایت من علی الارض

اقدام فرمود پوشیده نماید که در بیت اخیر که ترجمه آن ذکر شد
تحقق این مسائل را بخدا نسبت داده و گفته " دعی الاحزاب
وحده وحده . . . " و نظیر این مسئله در فرمایش حضرت
رسول (ص) است که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در غزوه احزاب آن لشکر جرار مخالفین را مغلوب ساخت حضرت
رسول (ص) فرمودند : " لا اله الا الله وحده صدق وعده
و نصر عده و هزم الاحزاب وحده " ابن ابی الحدید در شرح
نهج البلاغه جلد اول بعد از نقل فرمایش رسول الله (ص)
گفته است " قوله والذی هزم الاحزاب هو علی بن ابیطالب
لانہ قتل شجاعهم و قارمهم عمرواً . . . الخ " مضمون بیت
اخیر را نعیم از همین فرمایش حضرت رسول گرفته است .

- ۱- جان من جان میانمی میرد
 - ۲- تن که میمیرد او کتون مرده است
 - ۳- هست و هشیار خفته و هی دار
 - ۴- گر میبرد ریا و کبر و عباد
 - ۵- بیضه بی خروس جوجه نداشت
 - ۶- آنچه میآید از خزانه او
 - ۷- خویش را در خدای فانی کن
 - ۸- جان انسان که هست پرتو ذات
 - ۹- آنکه بود از قدم عدم نشود
- که عدم عارض قدم نشود

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • این بند در باره اثبات بقای روحست برای تفصیل ابیات که از الواح مبارکه اخذ شده بنصوص الهیه و کتاب بقای ارواح تالیف نگارنده و مفروضات مبارک مرا جمع شود •

بند بیست و سوم

- ۱- دست حق تا اساس کار گذاشت
- هرچه بگذاشت استوار گذاشت
- ۲- در جمادات و در حیوان
- خاصیت ها با اضطرا گذاشت
- ۳- آدمی کافرید در کف او
- اختیاری بیادگار گذاشت
- ۴- آنچه بنها داد از او جبر نخواست
- بلکه آن کان با اختیار گذاشت
- ۵- پایه دین چوپایه خلقت
- بهر او سخت و پایدار گذاشت
- ۶- بود دین و کتاب حاکم او
- تا عمل کرد و برقرار گذاشت
- ۷- آن زمان کان کتاب را هر کس
- خواست و بوسید و در کنار گذاشت
- ۸- از در رحمت از سر قدرت
- باز از نو اساس کار گذاشت
- ۹- تا خدا بود و هست و خواهد بود
- رهنما بود و هست و خواهد بود

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و مقصود اثبات لزوم تجدید
- شریعت است که چون دوره هر شریعتی منقض شود و فروغ آن
- قابل اجرا نباشد خداوند از نو شریعتی برای مردم میفرستد و این
- سنت الهیه همواره ساری و جاری است •

بعد از بند ۲۳ در اصل نسخه بی نمره بوده است

- ۱- آنچه مادر دل اعتقاد کنیم
- ۲- اندر آن سعی و اجتهاد کنیم
- ۳- پس عمل نیت است و از اول
- ۴- باید اصلاح اعتقاد کنیم
- ۵- در عمل نیز چونکه نتوانیم
- ۶- کارها را با افراد کنیم
- ۷- باید اجماع و نبود آن اجماع
- ۸- تا بقانونی اعتماد کنیم
- ۹- نشود حاصل اعتماد مگر
- ۱۰- تکیه بر مبدء و معاد کنیم
- ۱۱- پس بود اجتماع ما بآدین
- ۱۲- که بدان رفع هر فساد کنیم
- ۱۳- باید آن منتهی شود بیکس
- ۱۴- ورنه بایکدیگر جهاد کنیم
- ۱۵- باید آنها هم بود مطابق علم
- ۱۶- تا در آن با هم اتحاد کنیم
- ۱۷- این شریعت شریعت الهی است
- ۱۸- که مهیا بوحدت دنیا ست
- ۱۹- ۱- معنی ابیات و اصحست • این بند استدلال برای لزوم دین است

بعد از بند ۲۳ در اصل نسخه بی نمره بوده است

- ۱- آنکه در صانع حق مجاهده کرد
- ۲- بسی اسرار از آن مشاهده کرد
- ۳- دید که ز ما کتاب وجود
- ۴- نسخ و تجدید را معاهده کرد
- ۵- ذات واحد با اختلاف صور
- ۶- خلق اشیا چون نقش واحد کرد
- ۷- کون را کامل آفرید چنان
- ۸- که بهر مرتبه کسب فائده کرد
- ۹- جز هر جز و کل هر کلی
- ۱۰- جذب ملزوم و حفظ عائد کرد
- ۱۱- آنچه آورد و مدتس پرورد
- ۱۲- پس پی بردنش مساعده کرد
- ۱۳- تا نگه داشت حفظ لازمه بود
- ۱۴- و آنچه را بر دفع زائده کرد
- ۱۵- سته الله باقتضای زمان
- ۱۶- نسخ قانون و وضع قاعده کرد
- ۱۷- چون رواج بهار شد کاسد
- ۱۸- شد خزان کل کائن فاسد

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و اشاره بسرتجدید شرایع الهیه است و بیت اخیرا اشاره بآنستکه فصل خزان که میشود همه چیز از رونق میافتد و خزان شرایع الهیه هم همینطور است و لهذا بهار روحانی الهی میرسد و بجهان خلقت جدید میدهد در الواح مبارکه شرح و تفصیل این مطلب موجود است .

بعد از بند ۲۲ در اصل نسخه بی نمره بوده است

- ۱- آنکه خیر وجود حاصل کرد
- خیر حاصل بخوش واصل کرد
- ۲- هر وجودی است خیر و خیر وجود
- آنکه تحصیل خیر حاصل کرد
- ۳- نیست شر در وجود و شر وجود
- آنکه خیر وجود باطل کرد
- ۴- با سعادت کسیکه کامل شد
- با سعادت تر آنکه کامل کرد
- ۵- بکمال وجود نائل شد
- بکمال وجود نائل کرد
- ۶- آنچه ظل وجود بود و کمال
- همه را از وجود نائل کرد
- ۷- یعنی از خود به خیر عامل شد
- دیگر آنرا بخیر عامل کرد
- ۸- از برای ظهور خیر و کمال
- انبیاء را خدا و سائل کرد
- ۹- در توایمان سعادت بشر است
- بجز آن هر چه هست در بدری است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • اشاره بلزوم دین و سرتجدید است •

در اصل نسخه بعد از بند ٢٣ بی نمره بوده است

- ١- آنچه داری تو غیر عادت نیست
- عادت از بهر کس عادت نیست
- ٢- تا تو تحقیق اصل دین نکنی
آن عادت بغیر عادت نیست
- ٣- در ره دین حق تفکر کن
که بجز این ره سعادت نیست
- ٤- حق ترا سوی ترک عادت خواند
جز عبادت تو را رادت نیست
- ٥- اصل دین امتحان کن از نیک است
یک را حاجت اعادت نیست
- ٦- ورنه هفتاد سال بندگیست
در جهان قابل افادت نیست
- ٧- در عبادت گیر و ترس آبیین
کان بجز عادت از ولادت نیست
- ٨- بین چه فرموده است پیغمبر
بهتر از این دگر شهادت نیست
- ٩- ساعتی فکر در حقیقت دین
بهتر است از عبادت سبحین
- ١٠- معنی ابیات واضح است و بیت اخیر اشاره به حدیث
مشهور نبوی است که فرمود تفکر ساعة خیر من عادة سبحین
سنة یعنی يك ساعت تفکر در حقیقت مسائل روحانیه بهتر از
هفتاد سال عادت و اثرش بیشتر است •

بنمید بیست و چهارم

- ١- كلك نقاش کارگاه الست
خوشترا از صورت تو نقش بست
- ٢- صورتت ساخت همچو صورت خویش
تا نگویی منم چو ساخت شکست
- ٣- تو اگر زین میانه باشی نیست
هستی هست راکه داد هست
- ٤- گرتو آئی و خویش نشناسی
پست ترا ز توهیج نبود پست
- ٥- بود شخصت برای دانائی
چون ندانی چه شکر و چه کبست
- ٦- گرد آئی به بزم گرمنا
سعی کن تا رسی بیبالا دست
- ٧- تا که در علم و در عمل بینند
کس بیبالای دست تو نشست
- ٨- هر زمان میکشد تو را بیبالا
عقل تو چون بحلم و دین پیوست
- ٩- علم و دین از سجیت سچین
میکشاند ترا به علییین
- ١- معنی ابیات واضحست و محتاج بشرح نیست •

بند بیست و پنجم

- ۱- آنچه گردند خلق داناتر
- دین حق گردد آشکارا تر
- ۲- آنچه بالا رود عقول بشر
- پایه دین از اوست بالاتر
- ۳- آنچه عالم کند تهیه علم
- دین حق را شود مهیا تر
- ۴- وضع دین در زمانه کار خداست
- او بوضع زمانه داناتر
- ۵- عالم امر و خلق همراهند
- این چون داناتر آن معاتر
- ۶- هر که محتاج دین بود بخصوص
- آنکه داناتر و توانا تر
- ۷- دین جمالی که علم زیب وی است
- پارزینها بزینب زیباتر
- ۸- عقل چشمی که دین چراغ وی است
- مرد بینا بشمع بینا تر
- ۹- عقل کل رهنمای اعلم اوست
- نقش عالم کتاب اعظم اوست
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست * در باره لزوم دین و آثار آنست *

بند بیست و ششم

- ۱- دین ضرور است خاصه بر سلطان
- تا سازد زمانه را و پسران
- ۲- دین ضرور است خاصه بر روزرا *
- تا که نهد بار بر دمهقان
- ۳- دین ضرور است خاصه بر علما *
- تا نگردد فتنه دوران
- ۴- دین ضرور است خاصه بر فقها *
- تا عدالت کنند در دیوان
- ۵- دین ضرور است خاصه بر حکما
- تا جدل ناورند در رهگان
- ۶- دین ضرور است خاصه بر فقرا *
- تا نباشد باعث هیچگان
- ۷- دین ضرور است خاصه بر اعضاء *
- خاصه بر قلب و چشم و دست و زبان
- ۸- دین ضرور است خاصه بر دنیا
- تا هدایت قاق خلق جهان
- ۹- دین که در خلق فطرت الله است
- منشاء خلق خشیت الله است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست *

بند بیست و هفتم

- ۱- جزیدین تربیت نگشت صغیر
- جزیدین تسلیت نیافت کبیر
- ۲- جزیدین نیست دفع بخل غلی
- جزیدین نیست رفح رنج فقیر
- ۳- جزیدین متقی نگشت جوان
- جزیدین مطمئن نیامد پیر
- ۴- جزیدین نبود اتحاد عقول
- جزیدین نبود اتفاق ضمیر
- ۵- جزیدین طبع کج نگردد راست
- جزیدین نفس دون نگردد سیر
- ۶- جزیدین مال نیست جز خسران
- جزیدین علم نیست جز زوهر
- ۷- جزیدین خاطر نشد روشن
- جزیدین ملتس نگشت منیر
- ۸- اوست فخر و ضیاع و ذل شریف
- اوست صبر و سیر و رحیم امیر
- ۹- گرچه ما یم در جهان بانس
- دین بما میکنید چها بانس
- ۱-۹- معنی ابیات واضحست •

بند بیست و هشتم

- ۱- متقی ترطلب نه عالم تر
- زانکه عالم تراست ظالم تر
- ۲- هرچه اعلم شوند دین الزم
- دین بظالم تراست لازم تر
- ۳- کثرت ظلم شد ز کثرت علم
- بود عصر قدیم سالم تر
- ۴- پایه حنّ نوع و صلح عموم
- هر دو از دین شوند قائم تر
- ۵- علم مخدوم گشت دین خادم
- کیست مخدوم آنکه خاد متر
- ۶- علم و دین لا زمند لیکن دین
- دوست ترینند هر دو ملایم تر
- ۷- علم و دین تواند لیکن علم
- سخت ترینند هر دو مقام تر
- ۸- علم و دین همد ملد و همد و بیهم
- اعلام تر تمام تر ملازم تر
- ۹- دین بی علم میتواند زیست
- علم بی دین بخیر و مفید نیست
- ۱-۹- معنی ابیات واضحست •

بند بیست و نهم

- ۱- دین بود شامل خواص و عوام
- بر همه خلق در همه اعوام
- ۲- نشود علم شامل اربشود
- اندکی عمرو اندکی زانام
- ۳- اول دین که آخر علم است
- خاص را تربیت نماید و عوام
- ۴- دین به نیکی تو را کند مجبور
- دین بترك بدی کند الزام
- ۵- دین بود اعتقاد و علم و عمل
- علم را بسره است تا اقدام
- ۶- دین وفاق و وفا و صدق و صفاست
- ترك كل مناهی و آثم نام
- ۷- صبر و شکر و توکل و تقدیر است
- روح روح است اندرین احسام
- ۸- جود و بذل و افاضه و تأثیر
- نور نور است اندرین اجرام
- ۹- دین خلوص و محبت و ورع است
- نظم و ترتیب ملك بالتبع است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بند سیس ام

- ۱- دین ترا صاحب اعتبار کند
- نزد هر کس بزرگوار کند
- ۲- دین بهر موقع و بهر موقف
- بخدا ایت امیدوار کند
- ۳- دین بهر ماتم و بهر ورطه
- در بلیات پایدار کند
- ۴- دین بهر مجمع و بهر محفل
- خلق بسیار با تو بار کند
- ۵- دین بهر نکته و بهر مطلب
- دل و جان سخت و استوار کند
- ۶- دین بهر شغل و دین بهر کاری
- مرتورا مرد کا مکار کند
- ۷- دین تلت سالم و رخت خندان
- بادل و جان دگر چکار کند
- ۸- دین دلت بگسلاند از هر بند
- بنده خاص کردگار کند
- ۹- نیک بین شوکه بد زید بینی است
- نیکی از دین بدی زید نیکی است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بنده سی و یکم

- ۱- خلق بود ند در جهان کروکورو
فخرشان فتنه فکرشان شروشور
 - ۲- عقل و جان خیره روح و دل تیره
حرص و کین چیره علم و دین مقهور
 - ۳- سامعان کرسخن سرایان لال
رهروان لنگ و رهنمایان کور
 - ۴- همه دلها چوخانه عقب
همه لبها چولانه زبشور
 - ۵- با همج بلکه با سبج نزدیک
ز آدمی بلکه ز آدمیت دور
 - ۶- مفزد رسرچو صخره اندر کوه
روح در تن چومرده اندر گور
 - ۷- فکردین فیل بود و دل در تنگ
حق شتر بود و گوش خانه مور
 - ۸- همه را دیده بر خرف چون موش
همه را چشم بر علف چوستور
 - ۹- قومی آشفته خلقی افسرده
از بدن زنده از خرد مرده
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بنده سی دوم

- ۱- آمدان در جهان ز عالم جان
کیمیائی زطلعت جانان
 - ۲- عقل را عقل کرده دل را دل
روح را روح داد و جان را جان
 - ۳- عقل کو بود معدن شک و ریب
کرد کنز یقین و اطمینان
 - ۴- دل که بود او محل خواهش و خشم
کرد او را مکان امن و امان
 - ۵- روح کا بود کان حرص و طمع
کردگان قناعت و ایمنان
 - ۶- جان که بود او مقام خوف و هراس
کرد عاشق بمقتل و قربان
 - ۷- طبع کو بود دوزخ جاوید
کرد او را بهشت جاویدان
 - ۸- الخرض از کنیة الالبیس
کرد معمور کعبه الرحمان
 - ۹- قلب ما هیت و حقیقت کرد
حیوان بررد و آدمی آورد
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بندسی و سوم

۱- طبع گوید که راحتی فی السّراح

گفت حق لا تلیق لالارواح

۲- طبع گوید که فی الشّرور سرور

گویدت حق که فی العفاف صلاح

۳- طبع گوید که السّفاح ضرور

گویدت حق که النّکاح صحاح

۴- طبع گوید که الفجور لذیذ

گویدت حق که الصّلاح فلاح

۵- طبع گوید که فخرکم فی الحرب

گفت حق النّجاح فی الاصلاح

۶- طبع گوید که الجدال جلال

گویدت حق که الجدال جناح

۷- طبع گوید الا انتقام مفید

گویدت حق که للکلاب بباح

۸- گوید آن عش كما لك جبار

گوید اوکن کزارع فصلاح

۹- طبع فرما نروای حیوان است

لیک حق را همدای اسان است

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • در هر بیتی آنچه نفس اماره انسانی میطلبید در مصراع اول و آنچه را حق تعالی دستور فرموده در مصراع دوم ذکر کرده و متابعت دستورات الهیه را سبب نجات و فلاح شمرده است و نتیجه گرفته که از متابعت نفس و هوی انسان بدرجه حیوان تنزل میکند و انسان حقیقی کسی است که در ظل تعالیم الهیه باشد کلمه راح در بیت اول بمعنی شربست که نفس اماره طالب آنست ولی در الواح مبارکه نهی صریح از شراب مسکرات شده و در مصرع ثانی بان اشاره فرموده است برای نصوص حرمت مسکرات بگنجینه حد و دوا حکام تالیف نگارنده مراجعه شود •

بیت دوم در مضرات شرور و فساد و لزوم پیروی از لوازم عفاف و صلاح است که در الواح تصریح شده بیت سوم اشاره بحرمت زنا و سفاح و لزوم ازدواج است • بیت چهارم مذمت از ارتکاب فجور و تاکید در صلاح و صواب • بیت پنجم در مضرات جنگ و منافع صلح • بیت ششم در مورد جدال و بیت هفتم در مذمت کینه جوئی و انتقام و تحریض بعدالت و اجتناب از کینه جوئی است و کلمه بباح در این بیت بمعنی آواز سگ است • بیت هشتم مذمت از ظلم و جور و تاکید بخدمت نوع بشر از هر طریق است •

بندهسی و چهارم

- ۱- گفت دین فتنه است وجهل و جنون
گفتم این گفته جاہلی مجنون
 - ۲- حکم عفت بد امر عصمت زشت است
داد و دین فتنه جود و احسان دون
 - ۳- گفت نیک است لیک حاجت نیست
گفتم آیا شده است تا بکنون
 - ۴- شهری بی شهنه خانه بی صاحب
شخص بی شرع و ملک بی قانون
 - ۵- گفت باید ولی قدیم بس است
گفتم امروز چون پسندی چون
 - ۶- حمل بدعت تجل مرهوم
کین و پرهیز و جهل و ریزش خون
 - ۷- گفت امروز چیست لازم و وقت
گفتم امر خدا بودا کنون
 - ۸- صلح کل نظم ملک و وحدت نوع
نشر دین رفح کین رواج فنون
 - ۹- گفت آری لزوم وقت این است
مقتضای زمان چنین دین است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • در این بیت مضرات بیدینی
متفاوت بدایع را با هم مقبول ذکر نموده است •

بندهسی و پنجم

- ۱- هیچ رونق نمانده قرآن را
بنگرا حکام و امت آنرا
- ۲- پاکی آن بجز کثافت نیست
بنگرمسح پای دهقانرا
- ۳- نیکی آن بجز اذیت نیست
بنگر کافر و مسلمان را
- ۴- بخشش آن بجز حماقت نیست
بنگر شمع گور و صنعا را
- ۵- طاعت آن بغیر بدعت نیست
بنگر بزم تعزیت خوانرا
- ۶- رحمت او بغیر زحمت نیست
بنگر سرشکاف نادانرا
- ۷- ذکر او جز ریا و شهرت نیست
بنگر رند سبوحه گردانرا
- ۸- فکر او غیر مال و مکننت نیست
بنگر یک یک اهل ایمانرا
- ۹- قلب را قسوه دیده را مرد است
یوم طال علیهم الامداست

۱- ۹- معانی ابیات واضحست • و بیت ۹ اشاره به آیه ۱۵
 سوره الحديد است که میفرماید قوله تعالى " ولا تكونوا كالَّذین
 اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الا مه فقت قلوبهم وکثیر منهم
 فاسقون " یعنی ای مسلمان شما مانند مردم سابق نباشید که
 چون کتاب الهی بر آنها نازل شده ومدتی طول کشید دلهای
 آنها سخت شد و بیشتر آنها از فاسقان هستند • در این بند
 استدلال کرده که امت اسلام مصداق همین آیه مبارکه هستند
 زیرا حقیقت دین را از دست داده و فراموش کرده و فروع و مجاز
 را اصل دین و حقیقت انگاشته اند و در هریتی با ذکر مطلبی این
 موضوع را ثابت فرموده و گفته است که فی المثل حقیقت وضو برای
 حصول ^{فت} نظا است ولی امروز فقط ظاهراً حکم را گرفته اند و از نتیجه
 دور شده اند زیرا دهقان مسلمان که وضو میگیرد ابداً در فکر
 نظافت نیست و روی پای خود که مسح میکشد پایش در عین حال
 مملو از کثافت است و در فکر شستن آن نیست و بهمین طریق در هر
 بیستی موضوعی را ذکر فرموده که برای خوانندگان واضحست و در
 بیت چهارم مقصود از صنعا اشاره بد استان شیخ صنعانی
 است که بدختری ترساعا شق میشود و از اسلام دست میشود
 و مسیحی میشود. خوک میچراند و با اینهمه مردم بزبانت او میروند
 و شمع روشن میکنند و بخشش و احسان خود را بجای آنکه بفقرا
 بد همد صرف آرایش گور صنعا میکنند داستان صنعا بسیار

مفصل و طائیفین بکتاب منطق الطیر شیخ عطار نیشابوری مراجعه
 فرمایند اشارات سایر ابیات واضحست •

بندهسی و ششم

- ۱- در میان مسیحیان دین کو
- جان دین کو و روح آئین کو
- ۲- گیرم اوداشت حکم صلح و صلاح
- لیکن اجرای آن قوانین کو
- ۳- شیرویزغاله بپر و گو ساله
- در یکی خوابگاه و بالین کو
- ۴- بهر آن مبدعات نامعقول
- از کتب و از رسل بر اهین کو
- ۵- انتزاع سلاح و صلح عموم
- مجمع مصلح سلاطین کو
- ۶- وحدت جمع کو و وحدت نوع
- وحدت نطق و دین و آئین کو
- ۷- نه در آنفس اثر نه در آفاق
- ثمر انتشار و تلقین کو
- ۸- مصلح خلق و منجی عالم
- غیر دین بهایگودین کو
- ۹- دعواتی که جزد را این دین است
- از دواج عقیم و عنین است

گ ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • اشاره باختلال احوال مسیحیان و لزوم متابعت مردم دنیا از شریعت جمال قدم است بیت سوم اشاره بنبوت اشعیای نبی در باب یازدهم کتاب اشعیاست که در باره علامات یوم ظهور موعود ذکر کرده که در آن روز درندگان و خزندگان با هم صلح و آشتی دارند و اگر چنانچه مسیحیان میگویند این نبوت در باره ظهور حضرت مسیح بود پس این علامت کجاست چرا آشکار نشده است باقی ابیات واضحست •

بندهسی و هفتسم

- ۱- گفته هر فرقه حق بجانب ماست
یا همه راست یا همه بخطاست
- ۲- گر همه بر خطاست حق نیست
گر همه راست حق در اهل بهاست
- ۳- دعوی و امت و کتاب و دوام
عقل و دین گوید این بحکم خداست
- ۴- ورنه هرامتی ز امت قبیل
مورد انتقاد و استهزاست
- ۵- همه گویند غائب موعود
ناصرونا شر شریعت ماست
- ۶- در علامات و معجزات وحدود
همه را اعتراض و چون و چراست
- ۷- همگی گوششان سوی پدران
جملگی چشمشان سوی علماست
- ۸- وضع و اجرا و حفظ دین بیقین
کار حقّی مهیمن داناست
- ۹- چشم از این نکته گریوشانی
دیگر اثبات دین نوتوانی

- ۱- ۹- معنی ایبات واضحست • معنی هرامتی امروز خود
را بر حق و سایر ملل را باطل میدانند ولی صرف ادعا کافی نیست
و همه نظر علمای خود میکنند با آنکه وضع شرایط کار خداست که
دین را وضع میکند و اجرا میکند و اراده خود را پیش میبرد اگر مردم
دنيا از این نکته چشم بپوشانند هرگز نمیتوانند حقیقت خود را ثابت
کنند پس باید تحری حقیقت کرد و از طاعت علمای ظاهری چشم
پوشید •

بند سی و هشتم

- ۱- همه ادیان زحی ذوالمن بود
متعال و متین و متقن بود
- ۲- همه ازیک خدا و ازیک وحی
یکره و یک مقام و یک فن بود
- ۳- بهر خوبی صلح و صدق و صفا
تو پرا هین مجوم برهن بود
- ۴- بهرنیکی حب و مهر و وفا
تو دلائل مخواه روشن بود
- ۵- حکم تجدید دین بشرع جدید
بهر ما از خدا معین بود
- ۶- وحی و آیات و بیانات و زبر
کار مخصوص ذات ذوالمن بود
- ۷- بود تکلیف ما اطاعت او
چونکه حق قادر و مهیمن بود
- ۸- خدمت و جان نثاری از عاشق
رد و انکار کاردشمن بود
- ۹- تیر و اندکی سجا شده کن
بعد از آن وجه حق مشاهده کن

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • مقصود آنستکه همه ادیان
موجود را در آغاز خداوند تشریح فرموده و باقتضای هر زمان شریعتی
فرستاده و بلسان شاعرین ادیان خبر تجدید شرایع را بمردم
داده و آیات و کلمات امر خود را در هر زمان پیش برده و در هر
دوری مومنین و عاشقان در راهش جان فدا کرده اند و دشمنان
بمخالفت برخاسته اند باید مجاهده کرد و تعری حقیقت کرد
تا بمقصود رسید زیرا در قرآن سوره عنکبوت میفرماید :
وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لِنَهْدِیْهُمْ سَبِلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ
(آیه ۶۹)

- ۱- بندسی ونهم
- ۱- دل ز تقلیدگر کسی شوید
- عقل بی شبهه دین حق جوید
- ۲- دانه راکه دست صنع نگاشت
- اونمیزاید ونمیرود
- ۳- صورتی راکه کلك حق نگاشت
- اونم پاید ونمی پوید
- ۴- چون گلی رابسازی از کاغذ
- اونمی بالدونمی پوید
- ۵- بلبلی راکه آری از پروبال
- اونمی بالدونمی پوید
- ۶- ورقی راکه دست حق ننوشت
- پلجه روزگار میشوید
- ۷- ایکه گفتی علامت حق چیست
- میکند حق هر آنچه میگوید
- ۸- هیچ مؤمن نشد بهیچ زمان
- آنکه در دین بهانه میبوید
- ۹- نگرود آنکه از دلایل و کتاب
- نگرود مرده خیزد از زئراب

- ۱- ۹- معنی آیات واضحست • بیت ۶ اشاره بآیه مبارکه قرآن است که باین مضمون فرموده اگر مرده ها زنده شوند آیات عجیبه ظاهرا شود کفار مؤمن نخواهند شد قوله تعالی " فسی سورة الا نعام ولواننا نزلنا اليهم الملائكة وكلهم الموتى وحشرنا عليهم كل شئى قبلا ما كانوا ليؤمنوا ••• " (آیه ۱۱۱)
- ۱- در کتب مقدسه الهیه مذمت بسیار درباره تقلید اصول دین نازل و مذکور گردیده و تاویل از تقلید پاک نشود نفوس بجاده حقیقت رانیا بند جمال قدم جل سلطانہ در کلمات مکتوبه میفرمایند :
- يا بن الروح احب الاشياء عندى الا نصاب لا ترغب عنه ان تكن الى راغباً ولا تتفعل منه لتكون لى اميناً وانت توفق بذك ان تشا^{هد} الاشياء بعينك لا بعين العباد وتعرفها بمعرفتك لا بمعرفته
- احد فى البلاد فكر فى ذلك كيف ينبغى ان يكون ذلك من عطيتى عليك وعنايتى لك فاجعله امام عينيك "
- و در رساله ایقان میفرمایند :
- سالکین سبیل ایمان و طالبین کأوس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شئونات عرضیه پاک و مقدس نمایند ••• الخ قوله تعالی نظر باین معنی در کتب مقدسه سماویه مذمت تقلید بسیار مذکور گردیده از جمله در انجیل جلیل مسطور که تقلید بسیار مذموم و سبب گمراهی است • چنانچه در انجیل متی فصل ۱۵ آیه ۳ بعد میفرماید : اود رجواب ایشان گفت شما نیزه تقلید خویش

از حکم خدا چرا نجا و زمیکند تا آنکه در آیه ۷ میفرماید پس بتقلید خدا را باطل نموده اید *

و در باب ۱۶ آیه ۱۶ انجیل متی میفرماید عیسی ایشان را (شاگردان خود را) گفت آگاه باشید که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید • و مقصود از این بیان مبارک ترك تقلید آنهاست زیرا در آیه ۱۱ و ۱۲ همین باب میفرماید : پس چرا نفهمیدید که درباره نان شمارنگفتم که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید آنگاه در یافتند که نه از خمیرمایه نان بلکه از تعلیم فریسیان و صدوقیان حکم به احتیاط فرموده است • از این قبیل اشارات در انجیل جلیل بسیار مذکور و بکنایه و تصریح از تقلید در اصول دین نهی فرموده است در قرآن مجید نیز در موارد متعدده نهی از تقلید وارد از جمله در سوره عنکبوت آیه ۸ میفرماید :

ووصینا الانسان بوالديه حسنا وان جاهدك لتشرك بي ما ليس لك به علم فلاتطعهما الا الى مرجعكم فانهمكم بما كنتم تعملون •

یعنی ما انسان را امر کردیم که پدر و مادر خود را محترم داشته و با آنان خوبی و نیکوئی متوجه دارد و اگر پدر و مادر بخواهند انسان را بشرك و کفر و عدم اقبال بمظاهر الهیه و ادرا کنند بهیچوجه نباید آنان را در این قضیه اطاعت نمود •

نظیر این بیان مبارک در قرآن مجید بسیار و نظر بر رعایت اختصار

ببرخی از مواضع آن اشاره میشود •

در سوره لقمان آیه ۱۴ تا ۱۵ و آیه ۲۱ در سوره مائده آیه ۱۰۴ در سوره انبیا آیه ۵۱ تا ۵۶ در سوره الشعرا آیه ۷۴ و در سوره عنکبوت آیه ۶۹

و همچنین در انجیل جلیل : انجیل متی فصل ۷ آیه ۷ تا ۱۲ انجیل لوقا فصل ۱۷ آیه ۳۰ تا ۳۳ و فصل ۱۱ آیه ۵ تا ۱۴ رساله اول بولس بتالونیکی فصل ۵ آیه ۱۹ تا ۲۱ رساله یعقوب فصل ۴ آیه ۳ رساله بعبرائیان فصل ۱۰ آیه ۱۳۶ انجیل متی فصل ۲۳ آیه ۹ بحد انجیل مرقس فصل ۱۲ آیه ۳۸ تا ۴۱ انجیل لوقا فصل ۲۰ آیه ۴۵ تا ۴۷ و رساله ثانیه پطرس فصل ۲ آیه ۱ تا ۴ مکاشفات یوحنا فصل ۳ آیه ۲۰ و رساله عبرانیان فصل ۱۳ آیه ۷ و ۱۷ رساله اول بتیموتاوس فصل ۳ آیه ۱ تا ۱۳ و غیره •

برای فهم مضرات تقلید بد استانی که مولوی در مجله اول مثنوی در خصوص طوطی بقال و مرد جها نگیر نقل میکند مراجعه شود چون داستان مزبور مشهور است از ذکرش در این مقام صرف نظر شد •

در تورات نیز یکرآت و مرات مذمت تقلید وارد و تصریح و تحریح بمتابعت او امر الهیه واجب و لازم و بقوم ابلاغ گردیده از جمله در باب چهارم تشبیه آیه پنجم ببعده میفرماید : چنانکه یهوه

خدايم امر فرموده است فرائض و احكام بشما تعلیم نمودم
 پس آنها را نگاه داشته بجا آورید زیرا که این حکمت و فطانت
 شماست در نظر قومها نيکه چون این فرائض را بشنوند خواهند
 گفت هر آينه این طایفه بزرگ قوم حکيم و فطانت پيشه اند زیرا
 کدام قوم بزرگست که خدا نزدیک ایشان باشد چنانچه یهـوـه
 خدای ماست در هر وقت که نزد او دعائيم و کدام طایفه بزرگست
 که فرائض و احكام عادلانه مثل تمام این شریعتی که من امروز
 پيش شما میگذارم دارند لکن احتراز نما و خود را بسیار متوجه باش
 مباد این چیزهایی را که چشمانت دیده فراموش کنی و مباد ا
 اینها در تمامی عمرت از دل تو محو شود . و از این بعد فصلی
 در مذمت بت پرستی و غیره بیان میفرماید و در مواضع متعدده
 مذکور که هرگاه بنی اسرائیل خدا را فراموش میکردند و بتقلید
 امم معاصرو مجاور خود به بت پرستی اقدام مینمودند خداوند
 بجرم آن تقلید آنانرا بزلت و خواری مبتلا میساخت و چون توبه
 میکردند بعزت میرساند (به سفر اوران فصل ۶ و فصل ۷ و
 فصل ۱۳ و سایر مواضع عهد عتیق مراجعه شود)
 ۲- در کتب الهیه باین معنی اشارات بسیار شده است که
 مظاهرمقدسه الهیه فقط میتوانند وضع قوانین نموده آنرا اجرا
 فرمایند و جز شریعت آنان سایر قوانین و شرایع باطله کاذبه در
 صورت انتساب بخداوند محو و زائل گشته از بین میرود در تورات

تثبیه باب هیجد هم آیه بیستم بعهد میفرماید : پس که جسارت
 نموده با اسم من سخن گوید که بگفتنش امر فرمودم یا با اسم خدا یا
 غیر سخن گوید اگر آن چیز واقع نشود و با انجام نرسد این امری
 است که خداوند نگفته است بلکه آن نیز آن را از روی تکبر گفته
 پس از او نترس و در کتب انبیا باین معنی بسیار اشاره شده از جمله
 در اشعیا فصل ۴۲ آیه ۸ میفرماید خداوند منم جلال خود را
 بخیر و ستایش خود را با صنایع تراشیده نمیدهم .
 و در مراثی ارمیا فصل ۳ آیه ۳۷ میفرماید : کیست بگوید و واقع
 شود . اگر خداوند امر فرموده باشد .
 نظیر این بیانات مبارکه در کتاب ارمیا فصل ۲۸ آیه ۱۵ و فصل
 ۲۹ آیه ۳۱ و فصل ۲ آیه ۱۳ و اشعیا فصل ۵۵ آیه ۱۰ و ارمیا
 فصل ۲۸ آیه ۹ و کتاب حزقیل فصل ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و انجیل
 متی فصل ۱۵ آیه ۱۳ و فصل ۱۳ آیه ۳۱ و کتاب اعمال رسولان
 فصل ۵ آیه ۳۴ و غیره مذکور است مراجعه شود .
 در قرآن مجید نیز این قبیل آیات و بیانات بسیار از جمله در سوره
 ابراهیم (آیه ۲۴ تا ۲۷) میفرماید : الم ترکیف ضرب الله
 مثلا کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی
 اکلها کلّ حین باذن ربّها و یضرب الله الامثال للناس لعلهم
 یتذکرون و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجثت من فوق الارض
 مالها من قرار یثبت الله الذین آمنوا بالقوی الثابت فی الحیوة

الدَّيَّانُ وَالْآخِرَةُ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ"

انتهی

برای مزید تبصریه بیانات مقدسه در سوره رعد آیه ۱۴ و سوره الحاقه آیه ۴۴ تا ۴۸ و سوره الانعام آیه ۹۳ و سوره شوری آیه ۸۱ و بونس آیه ۶۵ و ۶۹ و ۸۱ و سوره توبه آیه ۳۲ و ۴۰ و سوره انبیا آیه ۱۸ و سوره روم آیه ۴۷ و سوره آیه ۴۹ و غیره مراجعه شود *

بند چهارم

۱- وهم بگیر ما چها کرده

اهل عالم زهم جدا کرده

۲- علم راست اعدا گشته

عقل را منع از ارتقا کرده

۳- فکر صاف صحیح سالم را

محو و معتدل و مبتلا کرده

۴- مهدئی را بقصر چه برده

روح را ساکن سما کرده

۵- کرده اثبات شی نامعقول

پس بدان نفس ما عدا کرده

۶- در ظلال کتاب روحانی

اختراعات ناروا کرده

۷- هر محال قبیح واهی را

حمل بر قدرت خدا کرده

۸- بنر از جمله اهل عالم را

منع طاعت از انبیا کرده

۹- وهم اگر منشأ خلاف نبود

دین یکی بود و اختلاف نبود

۱-۹- معنی ابیات واضحست • در این بند آثار مذمومۀ متابعت اوهام و ترك حقایق سخن گفته بیت چهارم اشاره بعقیده شیعه است که میگویند مهدی موعود در چاه سامره غایب شده و مصراع دوم اشاره بعقیده مسیحیانست که میگویند حضرت مسیح در آسمان است و مسلمین هم درباره مسیح بهمین عقیده هستند بهر حال سبب همه اختلافات بین ادیان همین اوهامست و اگر این اوهام نبود اصلاً اختلافی وجود نداشت •

بند چهل و یکم

۱- هله بشری که شد جمال حسین

زبب ایام و زبیت گوینن

۲- دیده را نورداد و دل را روح

ملك رازیب گشت و دین رازین

۳- همه مقصود این ظهور عظیم

رفع بینونت است از مابین

۴- نصرت جیش صلح و خیل صلاح

هست برعهده خلیق دین

۵- در جهان يك ندای وحدت كل

افضل من عبادۀ الثقلین

۶- آمد و آمده فنون بظهور

آمد و آمد علوم بعین

۷- آمد و رفت جور و جهل و جنون

آمد و برد شور و وقتنه و شین

۸- ختم اسلام گشت بر قائم

بد این گشت در ظهور حسین

۹- اولین نفعه شد مصیبت حیات

دومین نفعه محیی اموات

- ۱-۹- معنی ابیات واضحست • بند ۸ - اشاره بحدیث نبوی است که فرموده المهدی یختم به الذین ... الخ که در جلد اول گذشت •
- ۹- اشاره بآیه قرآنست که از دو نفخه در سوره زمر خبر داده نفخه اول نفخه صبح نفخه ثابیه نفخه حیات و قیام است که مقصود ظهور حضرت اعلی و جمال قدم است و شرح آن در جلد اول گذشت •

- در اصل نسخه بعد از بند چهل و یکم بی نمره بوده است
- ۱- این حسینی که حق فرستاده يك تنه برجهایی استاده
 - ۲- این حسین از عدویه پنجه سال سربالین امن نهاده
 - ۳- زیر شمشیر بوده بازنجیر از برای شهادت آماده
 - ۴- این حسین ازری و عراق بشام با همه اهل بیت افتاده
 - ۵- مال تاراج گشته آل اسیر یکدم از غم نبوده آزاده
 - ۶- این حسین از حبیب و عون و عوان بس سوی قتلگه فرستاده
 - ۷- دیده اصحاب خود شهید و اسیر هر صباحی که دیده بگشاده
 - ۸- در ره دوست چون حسین علی این حسین آنچه داشته داده
 - ۹- قال ربی علی تعزیتک انت ثاری و انلی دیتک

۱- معنی ابیات واضحست • یکی از القاب سیدالشهداء
 عمارالله است یعنی خون خدا در زیارتنامه آن حضرتست
 السلام عليك يا ثارا لله وابن ثاره مضمون بیت اخیرا اشاره باین
 مطلب و نیز اشاره بحدیث قدسی است که فرموده من قتلتهم
 فانی دینه یعنی کسیکه از عشق جان خود را در راه من فدا
 کند خون بهای او من هستم ومصداق این بیان هم در دوره
 حسین بن علی (ع) وهم در دوره رجعت آن حضرت یعنی
 ظهور جمال قدم تحقق یافت •

بعد از بند ۴۱ در اصل نسخه بی نمره بوده است
 ۱- وعده را که حق بما فرمود
 شکر لله بدان و ما فرمود
 ۲- وعد خود را بقاءم وبه حسین
 ابتدا کرد و انتها فرمود
 ۳- قائم آمد پی فدای حسین
 باشعف جان خود فدا فرمود
 ۴- این دو صد روز کرد عاشورا
 وان دو صد دشت کربلا فرمود
 ۵- قائم آمد برای وصف حسین
 گفت وتکلیف خود ادا فرمود
 ۶- آمد وصف آن ظهور عظیم
 بیست افزون ز انبیا فرمود
 ۷- قائم آمد پی ورود حسین
 راه را پاک و با صفا فرمود
 ۸- ببها وعده ظهر اورا لله
 تسع را مدت لقاف فرمود
 ۹- کرد ما را بدین سخن آگاه
 هوایای و انایای

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • بیت ۶ مصرع دوم مقصود آن است که حضرت اعلی بیست برابر سایر انبیاء که مژده بظهور الله داده اند در باره ظهور جمال مبارک مژده و بشارت در آیات مبارکات فرموده اند •
- ۸- یعنی حضرت اعلی فرموده " و انتم فی سنة التسع بلقاء الله ترزقون وتسع مطابق عدد اسم بها است چنانچه در جلد اول گذشت •
- ۹- اشاره ببیان مبارک حضرت اعلی است که در باره خود و من ینظره الله فرموده است برای تفصیل بکتاب مفصله مراجعه شود •

بند چهل و دوم

- ۱- مهدی آمد با افتتاح سبیل
عیسی آمد پی شقای علیل
- ۲- مهدی آمد مبرر عیسی
عیسی آمد مؤسس تلزیل
- ۳- مهدی آمد مبین قرآن
عیسی آمد مکمل انجیل
- ۴- مهدی افراشت رایت توحید
عیسی آورد آیت تسهیل
- ۵- مهدی آمد بحکم سیف و سنان
عیسی آمد به حجت و دلیل
- ۶- مهدی آمد بنام آل رسول
عیسی آمد با اسم باب جلیل
- ۷- مهدی آمد چنانکه گفت نبی
کرد تقسیم مال را تعدیل
- ۸- عیسی آمد چنانکه بود خیر
کرد حکم جهاد را تعطیل
- ۹- مهدی و عیسی که باب و بها است
در حقیقت چو یحیی و عیسی است

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

۵- حکم سیف و سنان از حضرت اعلی در کتاب تفسیر
احسن القصص و سایر توقیعات مبارکه نازل شده است •

۶- در احادیث وارد شده که مهدی از آل محمد است ولی
احادیث در جلد اول گذشت و در انجیل صریحست که باب
جلیل یعنی پدر بزرگوار آسمانی میآید و نصوص انجیل در این
باره جلد اول گذشت •

اشاره بحدیث وارد در باره مهدی است که پیغمبر فرموده
يقسم المال بالسوية و این معنی در مسئله تقسیم ارث که در
کتاب بیان نازل شده تحقق یافت یعنی حقوق دختر و پسر
از ذریات را برابر قرار دادند •

۸- اشاره بحدیث نبوی است که فرموده لا يزال الجهاد فی
امتی حتی ینزل عیسی و این حدیث در ناسخ التواریخ جلد
رسول الله مسطور است •

۹- یعنی همانطور که یحیی مبعوث عیسی بود و صاحب شریعت
مستقل بود حضرت اعلی هم مبعوث جمال قدم و صاحب شریعت
بیان بودند •

بند چهل و سوم

۱- بعد مهدی نزول عیسی شد

در فلسطین و حول اقصی شد

۲- یوم قائم قیامت صغری است

چون ز صغری گذشت کبری شد

۳- چونکه مهدی است نفخة الا ولی

نفخ ثمّ فیه اخیری شد

۴- انت الساعة بعثت نقطه است

انشقاق قمریه یحیی شد

ست

۵- هفت ونه چون خلافت مهدی است

پس چهل سال حکم عیسی شد

۶- کفن و دفن حنوط قائم را

متصدی جمال ابهی شد

۷- بعد قائم حسین و بعد حسین

حجت از نسل او بد نیاشد

۸- بر سر صخره صورا سرافیل

از بی حشرونشروا حیاشد

۹- گرنه ابهی ز بعد قائم بود

بعثت نقطه بس علائم بود

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

۱- مقصود از مهدی حضرت نقطه اولی و از عیسی ظهور جمال
قدم است که بر حسب بشارات سابقه از اراضی مقدسه ظهور
فرموده برای تفصیل بکتاب استدلالیه مراجعه شود •

۲- قیامت صغری ظهور حضرت اعلی و قیامت کبری ظهور جمال
قدم است •

۳- نفخه اولی ظهور حضرت اعلی و نفخه ثانیه ظهور جمال
مبارک است که در آیه سوره زمر قرآن مجید نازل شده و نص آیه
مکرراً نقل شده

۴- اشاره بآیه سوره القمر است که فرمود اقتربت الساعة وانشق
القمر مقصود از ساعت ظهور حضرت رب اعلی و مقصود از انشقاق
قمر شکافته شدن قمر و هم یعنی مردود شدن یحیی ازل است
که مدعی وصایت و خلافت مجعوله بود و این معنی در السواح
جمال مبارک مصرحست •

۵- از قبل در جلد اول ذکر شد که در اخبار ائمه اطهار دوره
دعوت قائم را ۷ سال و ۹ سال و دوره دعوت حسین (عیسی)
را چهل سال تعیین کرده اند و این معنی تحقق یافت و شرح
آن از قبل ذکر شد •

۶- برای تفصیل مقام بتاریخ امر مراجعه شود در اخبار ائمه
وارد شده که قائم را حسین غسل میدهد و کفن میکند و دفن

مینماید و این معنی تحقق یافت • (بحار الانوار)

۷- در کتاب اقبال الاعمال سید بن طاوس از حضرت امام روایت
شده است که حضرت حسین را باین زیارتنامه زیارت میکند •••
سید الاسره الممدود بالنصرة يوم الكره المعوض من قتله بان الائمة
من نسله والشقاء فی تربته والفوز معه فی اوبنه والا وصیاء من
عترته بعد القائم وغیبه بصراحت فهمیده میشود که چون حسین
رجعت فرماید حجت خدا بعد از آن حضرت از نسل آن حضرت
در دنیا خواهد بود چنانچه بعد از جمال قدم که رجعت حسینی
است حجت الهیه و مرکز عهد الهی فرزند بزرگوار آن حضرت
یعنی حضرت عبد البهاء و پس از آن حضرت نیز از نسل آن بزرگوار
حجت الهیه در عالم مقرر و معین شد •

۸- در تفسیر صافی در ذیل آیه ۱۰۸ سوره طه یوم یتبحرون
الداعی لا عوج له نقل شده که داعی الله الی المحشر قبیل هو
اسرافیل یدعو الناس قائماً علی صخره بیت المقدس فیکبلون الیه
من کل اوب الی صوته •••" مقصود از محشر ظهور جمال قدم
و مقصود از اسرافیل داعی الی الله همان جمال قدم مظهر کلی
الهیة است که ندای مبارکش از اراضی مقدسه بلند شد و خلق
دسته دسته با و مؤمن شدند •

بند چهل و چهارم

- ۱- تا حق آن شرع مستقیم آورد ***
عقل را منهج قویم آورد
- ۲- فکرت مهوج دجا جلوه را
جانب خط مستقیم آورد
- ۳- بهر ما عقل و رای و وضع جدید
هدیه از طلعت قدیم آورد
- ۴- از پی ارتباط کل ملل
رشته محکم و قویم آورد
- ۵- عوض خطر و خیال سقیم
فطرت و فکرت سلیم آورد
- ۶- شرع کامل مدینه فاضل
از پی عالم و حکیم آورد
- ۷- جسم را روح و روح را ریحان
ملك را جنت نعیم آورد
- ۸- بهر عالم اگر بدانی قدر
نعمتی کامل و عظیم آورد
- ۹- ملاء الخافین من عدله
واضاء العقول من فضله

۱- ۹- معنی ابیات واضحست *

اشاره بتعالیم مقدسه الهیه است که در این ظهور مبارک از طرف
خدا بخلق جهان داده شده است و معنی بیت اخیر اینست
که فرمود جمال قدم جل جلاله سراسر جهان را از عدل و داد که
نتیجه اجرای احکام مقدسه الهیه است پرنمود و عقول مردم را از
فضل و بخشش خویش منور و روشن فرمود *

بند چهل وینجم

- ۱- فرق اهل بهار و قوم ازل
از زمین تا سماء است فرق عمداً
- ۲- آنچه فرق است بین صلح و جدال
آن بود فرق در حسیب و ازل
- ۳- مؤده داده خدا بصلح و صلاح
وعده کی داد حق بجنگ و جدال
- ۴- دارد این حکم اتحاد بشر
دارد او حکم افتراق ملل
- ۵- دین این صدق خالص است و وداد
رسم او بر تقیه است و حیال
- ۶- آن همه فتنه جوید این همه صلح
فعل ماضی گواه مستقبل
- ۷- حکم آن اقتل ان فدی العالم
دین این لا تقاتل ان تقاتل
- ۸- رسم آن طعن و لعن و بیخ نفوس
دین این طاعت و داد دول
- ۹- در بیان بین نتیجه آیات
هست دین بهاخذ الغایات

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و محض اتمام فایده مختصری
نگاشته میشود •
- ۱- ۲- مقصود از این بیان آنکه بهمان اندازه که میان صلح
و جدل فرق بی منتهاست در میان حضرت من یظهره الله و ازل
نیز فرق بی منتهاست چه من یظهره الله اهل عالم را بصلح
عمومی دعوت فرمود ولی ازل عالم را میخواست بجهنگ و جدال و ادار
نماید و نیز لفظ حسین که مقصود جمال مبارك جل جلاله است
در عدد با لفظ صلح مطابق است زیرا عدد هردو ۱۲۸ است و نیز
لفظ ازل با لفظ جدال مطابق چه هردو عدد ۳۸ است خلاصه
آنکه جمال اقدس ابهی ظاهراً و باطناً مناری صلح و ازل ظاهراً
و باطناً و عمل مناری فتنه و آشوب میباشد •
- ۲- در کتب سماویّه قبلیه خداوند منان اهل عالم را در آخر الزمان
مؤده بظهور صلح و سلام داد که در ظل فیض ظهور جمال قدم
جل اسمه الاعلی جنگ و جدال برافتد و صلح و سلام ظاهر شود
آلات جنگ با آلات زراعت بدل شود شیرویزغاله و ببر و گوساله در
یک آبشخور واقف و گرگ و میش و شاهین و کبوتر در یک مرتع و مرغی
سالك گردند مصداق یملاء الله الارض به قسطاً و عدلاً ظاهر
شود و مفاد و لا یكون موت بعد آشکار گردا اگر ازل در ادعای خود
صادق لازم آید که وعود الهیه در کتب قبلیه بکلی کذب باشند
با آنکه بنص قرآن شریف " ان الله لا یخلف الیمعاد " و نیز

در فرقان مجید : ومن اصدق من الله حدیثاً و آرد شده همین برهانی قویم و دلیلی متین است بر صدق ادعای جمال اقدس ابهی و یطلان یحیی ازل زیرا اولی مطابق مواعد کتب سماویّه قبلیه و عود الهیّه بظهورش انجام یافت و ثانی کاملاً از حیث تعلیم و رفتار و عمل برخلاف آشکار گردید *

۴- اشاره به بیان مبارک جمال قدم جل جلاله است که میفرماید : " ای اهل عالم همه باریکد آرید و برگ یکشا خسار " و مصرع ثانی بیت اشاره است باینکه ازل بموجب نصوص بیان خود را ما مورفناى احزاب و اجرای کلمه ضرب الرقاب و خرابسى و ما رود شمن آبادى و صنعت و علم و عمار میداند *

۵- ۷- در باب شانزدهم از واحد هفتم کتاب مستطاب بیان حضرت اعلی روح ما سواه فداه حکم قتل و ضرب الرقاب غیر مؤمن به بیان را حکم فرمود ولی جمال مبارک جل جلاله در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح الهیه میفرمایند : ان تقتلوا فی رضاه غیر من ان تقتلوا و از این بیانات مبارکه بسیار است *

۸- مضمون این بیان در بیان مبارک بسیار و صفحه این کتاب بتفصیل مرقوم گردید از جمله در باب ثالث عشر و حدس و باب سادس و حد ثانی و ناسع عشر از واحد ثانی و آیات کتاب الاسماء و سایر مواضع بیان و آیات حضرت اعلی جل ثلثه مذکور است •
مراجعه شود *

۹- در مثل میگویند خذ الخایات و اترك العبادى یعنی بنتیجه ناظر باش و از مقدمات چشم بپوش کتاب بیان مقدمه و بشارت ظهور جمال قدم است و ظهور آنحضرت نتیجه شریعت بیان است لهذا باید با وجود حصول نتیجه یعنی ظهور من یظهره الله از مقدمات و مبادی یعنی شریعت دست برداشت و با حکام موعود بیان ناظر بود ولی یحیی ازل برخلاف این رفتار کرده و با وجود ظهور موعود بیان باز هم در صدق انجام و اجرای احکام بیان است •

بند چهل و ششم

- ۱- اهل عالم ازل نمی خواهند
- دین جنگ وجدل نمی خواهند
- ۲- این همه با رواین همه تکلیف
- درد عا و عمل نمی خواهند
- ۳- با همه احتیاج داد و ستد
- اجتناب از مصل نمی خواهند
- ۴- جنگ و غوغا و فتنه و شورش
- بر خلاف دول نمی خواهند
- ۵- تیرو تیغ و سنان نمی طلبند
- مرگ پیش از اجل نمی خواهند
- ۶- هر که مالک بملک و مال خود است
- ملک و دین را خلل نمی خواهند
- ۷- من وسلوی از آسمان آمد
- قوم و یقل و یصل نمی خواهند
- ۸- داد نظم بیان بهاء الله
- بیش از این التجل نمی خواهند
- ۹- آمد و نظم آن با قدس داد
- بیان زینتی مقدس داد

۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

- ۱- چون ازل خود را وصی حضرت اعلی و مجری احکام بیان
- میدانست لهذا در کتب خود احکام عجیبه و غریبه نوشت و
- پیروانش امر کرد تا در صد دا اجرای آن برآیند از جمله حکم جنگ
- و جدال و عرب و قتال با نفوس است که در باب شانزدهم از واحد
- سابع بیان نازل شده و ازل با اجرای آن امر کرده است •
- ۲- از جمله او امر بیان آن است که هر شخصی باید هر روز مقدار
- زیادی از آیات بیان را بخواند و صفت صد مرتبه ذکر گوید برای
- اطلاع بمراجع ذیل مراجعه شود بیان عربی و باب ثامن از واحد
- خامس بیان و باب سابع عشر از واحد خامس و باب ثامن از واحد
- سابع و باب عاشروا حد سابع و غیرها •
- ۳- ۵- برای اطلاع بباب رابع از واحد سادس مراجعه شود و نیز ب
- رابع عشر و واحد خامس کتاب بیان مراجعه فرمائید •
- ۴- در بیان حکم شده که اموال غیر مؤمنین بر آنها حرام و راجح
- با اهل ایمانست برای تفصیل بواحد خامس بیان عربی و باب
- خامس از واحد خامس بیان فارسی مراجعه شود •
- ۷- من وسلوی یعنی مایده آسمانی مقصود شریعت و احکام
- جمال قدم است و سیرو پیا زا شاره بدستور است سخیفه یحیی
- از ناست دانستان فرود آمدن من وسلوی یهود از آسمان و ترجیح
- دادن آنها سیرو پیا زرا بر مائده آسمانی در قرآن مجید سوره

البقره نازل شده و تعیم از آیات مزبوره اقتباس فرموده است •
۸ - ۹ در بیان مبارك بشارت داده اند كه من يظهره الله
ببیان نظم خواهد داد این معنی بر اثر نزول كتاب اقدس
عملی شد و این بشارت در باب سادس عشر از اول حد ثالث بیان
فارسی نازل شده و از قبل هم مسطور است •

بند چهل و هفتم

- ۱- آنکسان کامت بها باشند
- قائل وحدت خدا باشند
- ۲- جمله ز آدم گرفته تا خاتم
مثبت کمال انبیا باشند
- ۳- موقن حشر و نشر و جنت و نار
مؤمن بعثت و لقاب باشند
- ۴- معتقد بر همه ائمه دین
زابتدا تا انتها باشند
- ۵- بعد فترت به بعثت قائم
قائل ختم اولیا باشند
- ۶- چون نبی گفته ختم دین کند او
تابع حکم مصطفی باشند
- ۷- چون بشیر حسین و باب بهاست
بهر او جمله جان فدا باشند
- ۸- همه چون باب کا ولین عید است
بنده طلعت بها باشند
- ۹- عید باب بقیه الله اند
تحت حکم وصیه الله اند

بند چهل و نه

۱- مظهر کبریا بهاست بهاء

معنا ابیا بهاست بهاء

۲- آنکه فرمان بآدم وحووا

داد لا تقربا بهاست بهاء

۳- آنکه بهرنجات گفت بنوح

جائکم امرنا بهاست بهاء

۴- نار نمود آنکه گلشن ساخت

برخیل خدا بهاست بهاء

۵- نزد فرعون آنکه باموسی

گفت الق العصابه است بهاء

۶- آنکه بهر مسیح نازل کرد

مأئده از سما بهاست بهاء

۷- آنکه تایید مصطفی فرمود

بشد ید القوی بهاست بهاء

۸- آنکه معوث کرد قائم را

از برای ندا بهاست بهاء

۹- اوست او ذات واحد قادر

الف ویا واول و آخر

۱- ۹- معنی ابیات واضحست *

۱- در الواح الهیه مضمون بیت مکرر نازل شده است *

۲- در قرآن مجید سوره بقره آیه ۳۵ نازل شده قلنا یا آدم

اسکن انت وزوجك الجنة وکلامنها رغداً حیث شئما ولا تقربا هذه

الشجرة فتكونا من الظالمین یعنی بآدم وحووا امر کردیم که در

بهشت بمانید و هر چه میخواهید بخورید ولی باین درخت

سبب یا گندم (نزدیک نشوید و گرنه از ستکاران محسوب خواهید

شد نعیم فرموده آنکه این خطاب را بآدم وحووا فرمود جمال مبارک

بود *

۳- داستان نوح و کشتی در سوره هود نازل شده در آیه ۴ *

فرموده حتی اذا جاء امرنا وفارا للتور... یعنی آب از تنوریا مر

خداوند جوشید *

۴- داستان نمود و آتش افکندن خلیل و بی اثر شدن آتش در

سوره انبیا آیه ۶۸ ببعد نازل شده است *

۵- این آیه در سوره نمل (۹- ۱۰) نازل شده... والق

عصاك فلما را هلمت زکاتها جان... یعنی عصای خود را ببند از

موسی عصا را دید که مانند جن در حرکت است *

۶- داستان نزول مأئده از آسمان برای مسیح در قرآن مجید

سوره مأئده و در انجیل یوحنا فصل ششم و غیره مسطور است *

۷- اشاره بآیه سوره النجم است که فرموده علمه شد ید القوی

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

۵- اشاره بحدیثی است که امام درباره ظهورقائم فرموده
یظهر علی فتره من الائمه كما ظهر رسول الله علی فتره من الرسل
وشرح این حدیث و نص آن در جلد اول گذشت •

۶- اشاره بحدیث نبوی است که درباره مهدی فرموده
المهدی منا اهل البيت به یختم الدین كما فتح بنا و این حدیث
در جلد اول مذکور شده است •

۷- حضرت اعلیٰ ملقب به مہشرجمال قدم میباشند زیرا در آیات
مبارکه نازل از قلم مبارک بشارت بظهور من ینظہرہ اللہ
فرموده اند •

۸- اشاره بایاتی است که حضرت اعلیٰ در احسن القصص
و سایر مواضع خود را باب بقیة اللہ و اول عبدمنت به و بیایاتہ
خوانده اند برای تفصیل بکتاب استدلالیہ مراجعه شود •

بند چهل و هشتم

۱- دوشم آمد ز برترین طارم

بانک بایها المزمّل قسم

۲- لوح از روح کن قلم از عقل

لیقه از دیده دوده از مردم

۳- پس بگو مدحت جمال قدم

وهو معکم اینما کنتم

۴- من و این احتمال قول ثقیل

کردم از عجز عقل و جان را گم

۵- که جوا هر رسید یا اعراض

هم موا لید آمد و اب و ام

۶- که همه چاکریم و فرما بپر

ز انجم چرخ تا در قلم

۷- مشورت میکنم به محفل شور

چون خداداده حکم شاور هم

۸- من بمدح بها بجای حروف

از جوا هرکنم و یا انجم

۹- زانکه امروز حکم شماست

چونکه حکم شما بحکم خداست

۱-۹- معنی ابیات واضحست • مصرع وهو معکم اینما کنتم

ما خود از قرآن مجید است و معانی سا بر ابیات بخوبی آشکار است •

۱- اشاره به آیه مبارکه قرآنی که در سوره رعد آیه ۴۱ فرموده
 " له دعوة الحق والذین یدعون من دونه لا یتجیبون لهم
 بشئ الا کما سطر کفیه الی الماء لیبلغ فاه وما هو ببالغه وما
 دعاء الکافرین الا فی ضلال " در این آیه دعوت حق و صادق
 را مخصوص انبیای الهی و مظاهر مقدسه قرار داده است
 و دعوت مدعیان باطل را بی فایده و بیهوده معرفی فرموده
 مانند کسی که انگشتان دست را بگشاید و بخواهد با آن از جوی
 آب بردارد و بدندان خود برساند بدیهی است که موفق
 بنوشیدن آب نخواهد شد مدعیان باطل را نیز مثل بر اینگونه
 است •

۲- اشاره بدو آیه قرآن است که در وصف مظاهر الهیه و حجت
 آنان ذکر فرموده یکی در سوره عنکبوت آیه ۵۰- ۵۱ اولم
 یکفهم اننا انزلنا علیک الکتاب آیات را حجت قاطعه کافیه ذکر
 فرموده و در سوره یونس آیه ۳۵ میفرماید امن یتهدی الی
 الحق احق ان یتبع امن لا یتهدی ••• یعنی علامت صحت
 ادعای مظهر امرالله همان هدایت نفوس براه راست است
 میفرماید باید از کسی پیروی کرد که مردم را هدایت کند و جز این
 دیگر قابل پیروی نیست •

۳- اشاره بآیه قرآن در سوره زمر است که میفرماید ما قدرنا لله
 حق قدره والارض جمیعاً قبضته یوم القیامه والسّموات مطویّات

بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ونفخ فی الصور فصق من
 فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیها اخری
 فان اقام قیام ینظرون •••

از آیه ۶۷- ۷۱ در این بند اشاره شده و جمعاً درباره ظهور
 مبارک حضرت اعلی و جمال قدم و نسخ شرایع سابقه است برای
 تفصیل بکتاب استدلالیه مراجعه شود •

۴- در سوره المطففین جمیع وقایع ظهور مبارک را اخبار فرموده
 است طوبی للمتبصرین •

۵- اشاره بفرمایش حضرت صادق است که درباره رجعت
 حسینی فرموده ••• تختی می بینم از نور که در بالای آن قیام

از با قوت سرخ مکلل بجواهر قرار دارد و حسین را می بینم که بر آن
 سر بر نور جالس است و مؤمنین را می بینم که در محضر مبارک مشرف
 هستند ••• این حدیث در کتاب بحار جلد سیزدهم از کتاب

کامل الزیارة بسند متصل از فضل بن عمر نقل شده است •

۶- در مزمیر اود فصل ۳۶ آیه نهم میفرماید ای خدا در نور تو
 نور می بینم بها نور است و ظاهراً گشته از نور •••

۷- اشاره بآیه ۲۷ سوره الفجر است که فرموده یا ایتها النفس
 المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی
 و ادخلی جنتی •

۸- اشاره بآیه ۶ سوره انشاق است که فرموده یا ایتها الانسان

اتك كادح الى ربك كدحاً فملافيه •

۹- آیه مبارکه لیس البرد رسوره البقره آیه ۱۷۷ مسطور است •

بند پنجاه و یکم

۱- آنکه عالم اسیر طلعت اوست

طلعت او دلیل و حجت اوست

۲- حجت از او خواه ای عاقل

حجت عاشقان محبت اوست

۳- کس ارادت با اختیار نداد

دل ما ز چه در ارادت اوست

۴- دفع آهن ب جذب مخاطیس

چه کند چون اسیر قدرت اوست

۵- این یکی جاذب آند گر مجذوب

فعل هر کس گواه فطرت اوست

۶- گرز خدمت فنا شویم چه باک

هستی ما برای خدمت اوست

۷- کوشش ما بقدر همت ماست

کوشش او بقدر طلعت اوست

۸- هر که جان داد روی جانان دید

مزد هر کس بقدر زحمت اوست

۹- حسن او را بس است ایند و گواه

جان ورقا و روح روح اللّٰه

۱-۹- معنی ابیات واضحست • بیت ۹ مقصود میرزا علی محمد
 ملقب بورقا و پسرش روح الله است در سنه ۱۲۱۲ قمری هجری
 که ناصرالدین شاه بدست میرزا رضای کرمانی بقتل رسید
 میرزا علی خان حاجب الدوله جناب ورقا و روح الله را که در
 زندان بودند بدست خود بشهادت رسانید برای تفصیل
 بتواریخ مفصله مراجعه شود •

بند پنجاه دوم

- ۱- جز در این دین شنیده عاقل
 بتمای موت مستعجل
- ۲- جزیدارا سلام کس دیده
 کرده خود را بدست خود سمل
- ۳- جز پطهران شنیده که سه ماه
 نامه قتل خود برد عاقل
- ۴- جز زنجان شنیده مادر
 که بقتل پسرش خود عاجل
- ۵- جز شیراز کس بشوق دهد
 مژدگانی بقاتل جاهل
- ۶- هیچکس جز در اصفهان داده
 دیت قتل خود به مستقیل
- ۷- هیچ دیدی بجز عشق آباد
 کس شفاعت نماید از قاتل
- ۸- هیچکس گشته است جز در یزد
 وقت کشتن باین سخن قائل
- ۹- لم ارد ناصرالینصرنی
 بل فتی ناظرالینظرنی

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست *
- ۲- مقصود سید اسمعیل زواره است که در بغداد بدست خود گلوی خود را برید و برای تفصیل بجلد اول ریحیق مختوم در ذیل (ذبیح کعبه وفا) مراجعه شود *
- ۳- مقصود جناب بدیع خراسانی است *
- ۴- مقصود عنبرخانم ملقبه بام اشرف مادر جناب آقا سید علی اشرف زنجانی است که این جوان در سن ۱۹ سالگی در زنجان بشهادت رسید در سال ۱۲۸۴ هـ ق و مادرش او را در میدان زنجان بجانفشانی تشویق کرد *
- ۵- مقصود جناب آقا مرتضی سروسنانی است که کلاه نمدی پاره‌ای را که بسرداشت برسم مژدگانی بفراشباشی که خبر قتل او را باو داده بود بخشید زیرا جزآن چیزی نداشت *
- ۶- مقصود جناب سلطان الشهدا^۱ سید حسین است که انگشتر قیمتی خود را بقاتل خود بخشید *
- ۷- مقصود احبای عشق آهاد هستند که پس از شهادت جناب حاجی محمد رضا در نزد حکومت از قاتلین جناب حاجی شفاعت کردند و حکم اعدام آنان در نتیجه شفاعت احبای تبدیل بحبس سبیریا گردید *
- ۸- ۹- مقصود جناب ملا علی سبزواری است که در یزد وقتس خواستند او را شهید کنند فریاد زد حضرت سید الشهدا^۱ علیه

السلام در روز عاشورا فرمودند هل من ناصرینصرنی ولی من
میگویم "هل من ناظرینظرنی"

بند پنجاه و سوم

۱- شرح این عاشقان ببرد از یاد

ذکر مجنون و قصه فرهاد

۲- جانب مقتل آن چنان رفتند

که به حجله میروند داماد

۳- حسن او کرد خواجگان بنده

بندگان راز بند خویش آزاد

۴- آن یکی در غم و شکنجه بماند

و آن دگر در سیلاب و آفتاد

۵- آن یکی خاتمان بر آتش زد

و آن دگر خانواده داد بیاد

۶- آن یکی مال و آن دگر فرزند

آن یکی جاه و آن دگر جان داد

۷- با هزاران مخرب این باسی

کرد این خانه را چسان آباد

۸- اندرین موج فتنه و طوفان

پایه دین ببین چگونه نهاد

۹- حیرت عقل جلال سلطانه

و علی قدره ویرانه

۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

ترجمه بیت اخیر این است که میفرماید عظمت جمال قدم عقول را
حیران نماید و قدر و منزلت و سطوت برهانش از همه بالا تر و
بر همه غالب است •

بند پنجاه و چهارم

- ۱- حق جهان کرد مستند ظهور
پس عیان گشت و شد جهان معمور
 - ۲- شهرها شد بیکدیگر نزدیک
از چه دلها زهم بماند دور
 - ۳- سرهرچیزی آشکارا شد
از چه سرصف شود مستور
 - ۴- همه عالم شدند هم کاسه
از چه جاری نگردد آب طهور
 - ۵- همه اشیاء شده لطیف و نظیف
مانند آلوده از چه دل بشورور
 - ۶- گشته آتش در آب کشتی زان
آدمی ز آدمی چراست نفور
 - ۷- شرق در گوش غرب نجوی گفت
ما چرا چشم بسته و کورور
 - ۸- بر تو حرد یا روم اغیار
شرق و غربند وصل و مامحور
 - ۹- همه اشیاء قبول فرمان کرد
چون با نسان رسید طغیان کرد
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • و احتیاج بشرح ندارد .

بند پنجاه و پنجم

- ۱- ای همه کانیوس و بودائی
ای همه هندو و برهمنائی
- ۲- ای یهود و مجوس و زردشتی
ای مسلمان و ای مسیحائی
- ۳- بر همه مژده ارض را حق کرد
اخذ در قبضه توانائی
- ۴- همه یک گله یک شبان باشید
متعال است حق به تنهائی
- ۵- میکند جمله را کنون دعوت
بضیافت سرای یکتائی
- ۶- بیدرخشد فراز کنگره اش
رایت یا بهاء الابهائی
- ۷- قوچه افریه برگان بی عیب
کرده قربان در این پذیرائی
- ۸- کل ما تشتهیه الانفس را
کرده حاضر بخوان یقنائی
- ۹- الله الله تمام بشتابید
رایگان این پذیره دریا بید

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

بیت سوم اشاره بآیه قرآن است که درباره روز قیامت فرموده
در سوره زمره لا یرض قبضته یوم القیامه یعنی در روز قیامت زمین
در قبضه اقتدار حق است و بظهور جمال قدم این معنی تحقق
یافت •

بیت پنجم اشاره ببشارت عهد عتیق است که در اشعیا و غیره
وارد شده و همچنین مضمون بیت هفتم از اشارات کتب انبیاست
که از قبل لصوص آن ذکر شد •

بیت هشتم اشاره بآیه قرآن است که درباره بهشت و نعمتهای
آن فرموده فیها ما تشتهی الانفس یعنی در بهشت هر کس
هر چه بخواهد موجود است چنانچه نعمتهای معنویه در آیات
الهیّه در این ظهور مبارک موجود است •

بند پنجاه و ششم

۱- ما جماعت که اهل ابهائیم

جان جمعیم و روح یکتائیم

۲- فکر هر فرقه ذکر هر زمره

قطراتست و ما چو دریا ئیم

۳- تو هر فرقه با لگ وحدت نوع

هر کجا بشنوی بدان ما ئیم

۴- همه همچون بی اند و ما نفسیم

همه کوهند و ما چو آوا ئیم

۵- چون شنید ند بانگ وحدت از ما

همه گفتند ما توانا ئیم

۶- همه فریاد میزنند که ما

سبب اتحاد دریا ئیم

۷- تنگ جهان را بهم یکی نکسیم

ترک غم و غم و فتنه نما ئیم

۸- باز کن چشم و فرقه فرقه ببین

ما یکی روح جمله اعضا ئیم

۹- همه سرگرم و اسب میرانند

لیک مقصود را نمیدانند

۱-۹- معنی ابیات واضحست • مضامین از الواح الهیه
ما خود است •

بند پنجاه و هفتم

۱- این چنین عالمی که عالم ماست

بخدا مستحق دین بهماست

۲- وحدت نوع و وحدت دینست

وحدت ملک و وحدت آراست

۳- دین روشن مترجم ادیان

رسم معقول و مذهب عقلاست

۴- شخص امروز را رسوم قدیم

جامه نارسا و نازیباست

۵- این چنین دین در این چنین موقع

مورد حاجت همه دیاست

۶- نشر این دین حق در این مردم

بهترین خدمتی بخلق خداست

۷- اندکی فکراگر کنی دانسی

پایه این طریقه تابکجاست

۸- پس چنین دین مابه الحاجه

بر همه خلق لازم الاجراست

۹- هر که ز این دین حق ایا کرده

بر خود و بر جهان جفا کرده

۱- معنی ابیات واضحست •

مضامین ابیات اشاره بتعالیم مقدسه الهیه است که در السواح

مبارکه مندرجست و همه احبای الهی بر آن مطلعند •

بند پنجاه و هشتم

- ۱- اگر بدین دین کسی نظاره کند
واندر اویک نظر دو باره کند
- ۲- بپند آنرا چنان متین وقویم
که تواند جهان اداره کند
- ۳- همه امراض اجتماعی را
که در آن عقل مانده چاره کند
- ۴- آن ورق پاره های پوسیده
که زاجداد مانده پاره کند
- ۵- وهم صعب العلاج مزمن خلق
چاره آسان بیک اشاره کند
- ۶- همه اسرار انفس و آفـاق
یک بیک بر جهان شماره کند
- ۷- بر همه خلق و بر همه کشور
باغ فردوس آشکار کند
- ۸- عقل کل محوومات و خیره شور
چون در احکام آن نظاره کند
- ۹- گوید استحکمت میانیه
حرت واللّه جل بانیه

۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

معنی بیت نهم آنست که عقل اگر در تعالیم مبارکه تمعق کند فریاد بر آورد که اساس این تعالیم بسیار محکم است و من در عظمت این تعالیم حیران و سرگردانم مقدس است آن خداوندی که اساس آن تعالیم مبارکه را در عالم گذاشته است •

بند پنجاه و نهم

- ۱- راه ربط قلوب دین بهاست
 - ۲- سبب منع فتنه رفیع فساد
 - ۳- باعث وصل مشرق و مغرب
 - ۴- بانی بیت عدل و مجلس شور
 - ۵- بنصوص صریح کل کتب
 - ۶- حکم حب و وفا و صدق و صفا
 - ۷- آفتابی که نور تربیتش
 - ۸- بوستان الابد کمال الله
 - ۹- میتوانی نمائی از این دین
- این جهان را به از بهشت برین
- ۱- معنی ابیات واضحست • مضمون بیت هشتم از آیه قرآن است و مضمین سایر ابیات از الواح الهیه مأخوذ است •

بند شصتم

- ۱- اندر این شرع عقل و علم و حکم
 - ۲- اندر این بزم طبع و نفس و خرد
 - ۳- اندر این ره حکیم و رند و فقیه
 - ۴- اندر این صف گدا و شاه و وزیر
 - ۵- اندر این دین یهود و گبر و هندو
 - ۶- اندر این خانه مست و دزد و شریر
 - ۷- اندر این دشت گرگ و ببر و گراز
 - ۸- صلح اضداد و وحدت اعداد
 - ۹- وحدت اوست خارج از اعداد
- ۱- معنی ابیات واضحست • مزایای تعالیم مبارکه در این ابیات ذکر شده است •

بند شصت و یکم

- ۱- علم و عرفان و معرفت این جاست
- دین و دنیا و آخرت این جاست
- ۲- مابه الا انتظار کل ملل
- ازین داد و معدلت این جاست
- ۳- مابه الا نظام جمع بشر
- از در حکم و مشورت این جاست
- ۴- مابه الا احتیاج کل فرق
- از سرخیز و منفعت این جاست
- ۵- مابه الا تکشاف سرکتب
- از ره علم و معرفت این جاست
- ۶- مابه الا تحاد کل ملوک
- بهر اصلاح مملکت این جاست
- ۷- مابه الا اقتدار کل دول
- ازین مکت و سعت این جاست
- ۸- مابه الا شتیاق کل امم
- بهر غفران معصیت این جاست
- ۹- نتوانی تو یافت آبِ اَدان
- قربیه ماورا عِ اَدان

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

در امثال قدیم است که گفته لیس ماورا اجدان قریة یعنی
ماورای اجدان ابادی نیست و مقصود از این مثل آنست ماورای
شریعت جمال قدم جل جلاله شریعت دیگری نیست که بتواند
سعادت عالم و نظم جهان را عهده دار باشد •

بلد شصت و دوم

- ۱- دین کین بهتر است یا که و داد
- شور جمهور یا که استبداد
- ۲- پاک باشد خلق یا که نجس
- صلح باشد جمله یا جهاد
- ۳- با ادب یا غضب کند اصلاح
- بازبان یا سنان کند ارشاد
- ۴- مرد بی کار به و یا مشغول
- طفل در کوجه به و یا استناد
- ۵- بهتر یا یلاف یا که استیحاش
- خوشتراعتاق یا که استعباد
- ۶- گونظافت به است یا تطهیر
- کو مقید به است یا آزاد
- ۷- از کتب احترام یا تسوهین
- از ملل احترام یا که و داد
- ۸- توبه به نزد خلق یا خالق
- کدیه از خلق یا عطاء
- ۹- گو توهم به است یا تحقیق
- گو تعبید به است یا تحقیق
- ۱۰- سنی ابیات واضحست * قسمی از تعائیم مبارکه در این ابیات ذکر شده است از این قرار در بیت اول حکم محبت *

- عمومی و مذمت حکومت استبداد و تمجید از حکومت مشروطه که در الواح مبارکه ثبت است *
- بیت دوم حکم طهارت احزاب ملل و تمجید صلح و رفع جهاد و جنگ *
- بیت سوم مذمت غضب و تمجید اصلاح و هدایت نفوس با دلیل و برهان و نهی از اجبار و اذیت *
- بیت چهارم مذمت بیکاری و امر بکسب و کار و لزوم تربیت اطفال *
- بیت پنجم امر بدوستی و نهی از عداوت و نهی از برده فروشی و تمجید از آزادی
- بیت ششم امر بنظافت و لطافت کبری بجای تطهیر که در اسلام رسم شده است و مذمت تقلید و تقید و تمجید از آزادی *
- بیت هفتم احترام بکتب مفیده و کتب آسمانی و امر بمعاشرت با ادیان *
- بیت هشتم نهی از استغفار نزد دیگران و امر بتوبه در باطن نزد خدا و نهی از تکدی و گدائی و امر ببخشش و جود و سخاوت *
- بیت نهم امر بتحقیق و تحریر حقیقت و نهی از توهم و تعبید
- جمیع اینها از تعالیم این ظهور مبارکست که در الواح مبارکه مسطور است *

بند شصت و سوم

- ۱- بخدا گریخود ربانکنسی
- جز قبول ره بهانکنسی
- ۲- بخود و بر جهان نمائی ظلم
- تو بدین دین اگر ندانکنسی
- ۳- گرجها را تو عیسوی سازی
- درد ایام را دوا نکنسی
- ۴- گر مسلمان کنی تمام جهان
- رایت صلح را بپسانکنسی
- ۵- کنی خلق را گراهل بهاء
- خلق را بنده خدا نکنسی
- ۶- کنی گریدا بوحدت تنوع
- گنبد چرخ پر صدانکنسی
- ۷- ندهی گر صلا بصلح عموم
- خلق را باحق آشنا نکنسی
- ۸- بود این دین سر ادق وحدت
- این سر ادق بپا چرانکنسی
- ۹- تا در صلح را نمائی باز
- بازو بط گریگ و میش را نیت باز
- ۹-۱- معنی ابیات واضحست • بیت نهم اشاره بنبوت اشعیاء^ع
- بسی در باب یازدهم کتابش در باره ظهور موعود است که در ظل
- رحمتش درنده و چرنده باهم صلح مینمایند و از قبل مکرر ذکر شد •

بند شصت و چهارم

- ۱- همه احکام او صلاح عباد
- همه آیات او بر راه رشاد
- ۲- آنچه گفته نبوده جز بصلاح
- آنچه کرده نبوده جز بسداد
- ۳- امر نیکی دهد بنوع و جوب
- دفع زشتی کند بوجه و داد
- ۴- کلم جامعہ اش مؤید عقل
- حکم بالئہ اش معین فؤاد
- ۵- امر او مقتصد نه سست و نه سخت
- حکم او معتدل نه کم نه زیاد
- ۶- همه الفاظ و نظام امم
- همه احکام او قوام بلاد
- ۷- سخنانش متین تر از صخره
- کلماتش قویتر از فولاد
- ۸- پیروانش همه رؤوف بشیر
- بند گانش همه عطوف عباد
- ۹- اینش قول است و فعل و امت و کار
- قبالا نما تعرف الا شجار

۱-۹- معنی ابیات واضحست •

بیت نهم اشاره ببیان حضرت مسیح است که فرمود هر درختی را از میوه اش باید شناخت و شرح این در انجیل لوقا فصل ۴۳/۶ و متی فصل ۱۵/۷ و فصل ۳۳/۱۲ وارد شده است مراجعه شود •

بند شصت و پنجم

۱- تربیت کرد امتی مظلوم

با کتابی و مسلکی معلوم

۲- ضعفشان انیس هر مکرروب

اقویاشان پناه هر مظلوم

۳- نفع خود دیده نفع هیئت نوع

خیر خود کرده وقف خیر عموم

۴- ذکر ایشان در انبیا بشیر

فکر ایشان در انتشار علموم

۵- فخر ایشان زد هر رفیع عیوب

عیش ایشان ز خلق دفع عموم

۶- بزم آنان در اتحاد ملل

عزم آنان در اقتدار هموم

۷- جانشان نذر قاتل بیرحم

نا نشان وقف سائل محرم

۸- حامی و حافظ حدود عباد

حارس و حامل حقوق عموم

۹- آنکه مؤمن بود بطلعت ذات

هست مستجمع جمیع صفات

۱-۹- معنی ابیات واضحست • بیت نهم اشاره ببیان مبارك حضرت عبدالبهاء که فرموده بهائی یعنی جامع جمیع کمالات است»

بند شصت و ششم

- ۱- گر کسی امت بهابیند
- يك بېك را جدا جدا ببیند
- ۲- بر همه فرقه با همه ملت
- در همه عالم آشنا ببیند
- ۳- کز خدا گوید از خدا شنود
- از خدا خواهد از خدا ببیند
- ۴- بی طمع دوست بی سبب غمخوار
- بی ریایاری دعا ببیند
- ۵- در وفا کوشد ارستم نگردد
- هم دعا گوید از جفا ببیند
- ۶- خدمتش مفت و دعوتش بی مزد
- طاعتش جمله بی ریای ببیند
- ۷- بندگان خدا پرا بخل و ص
- بره راست رهنما ببیند
- ۸- اگر این دین حق نباشد حق
- کس صفات حق از کجا ببیند
- ۹- بخدا دین حق نمایان است
- بهرینا چو شمس تابان است
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بند شصت و هفتم

- ۱- در جهان ادعا تون توانی
- گر کسی بر ملا تون توانی
- ۲- پس به آیات و بینات و نبر
- ثابت آن ادعا تون توانی
- ۳- جان و دل ملک و دین علیل شدند
- این علل را دوا نتوانی
- ۴- عالمی کز خدا اگر بخته اند
- با خدا آشنا تون توانی
- ۵- زمره شی را پی هدایت خلق
- مستعد فدا تون توانی
- ۶- راحت خود فدای راحت نوح
- از برای خدا تون توانی
- ۷- در همه عمر خود زدشمن و دوست
- احتمال بلاتون توانی
- ۸- مختصر گویم از هزار یکی
- آنچه کرده بهاتون توانی
- ۹- بخدا وضع شرع کار تو نیست
- و آن همه اصل و فرع کار تو نیست
- ۹- ۱- معنی ابیات واضحست • اشک دلال بر حقایق مظاهر
- مقدسه از راه ذکر صفات خاصه آنان در این بند مذکور است •

بند شصت و هشتم

۱- جذب اصحاب حال کار خداست

قلب ارباب قال کار خداست

۲- عام را رام و خاص را آرام

خلق این اعتدال کار خداست

۳- وضع قانون کلی عالم

از حرام و حلال کار خداست

۴- دین که اقوام را زدین قدیم

میدهد انتقال کار خداست

۵- وضع دین و عقیده ثابت

در قلوب رجال کار خداست

۶- جاهلان را برابر علماء

بذل نطق و مقال کار خداست

۷- براهین سهل زاهل غرور

دفع جهل و جدال کار خداست

۸- صلح ادیان و اتحاد ملل

بی جدال و قتال کار خداست

۹- تو مگو طالب حقند همه

مجموعه نطق و مقال

۱- ۹- معنی ابیات واضحست •

بند شصت و نهم

۱- بسلاطین چنین خطاب که کرد

رحمت و زجرت و عتاب که کرد

۲- حکما را زبون و خوار و ذلیل

زایت و حجت و کتاب که کرد

۳- علما را بعلم و فضل و فنون

ساکت و عجز و مجاب که کرد

۴- سفها را بحلم و صبر و سکون

مخجل و مهمل و معاب که کرد

۵- آنچه فرمود و وعده کرد و نوشت

جاری و ساری و مصاب که کرد

۶- هر سؤال و مقال و مسئله را

حل و تفصیل و مستجاب که کرد

۷- شرع و آئین و دین او بجهان

نیک و مقبول و مستجاب که کرد

۸- نائین شهم و عالم و کامل

بعث و ما موروا نتخاب که کرد

۹- نیست برهان از این برهن تر

که بود از آفتاب روشن تر

۱- ۹- معنی ابیات واضحست • برای تفصیل با لواح ملوک مراجعه شود

بند هفتادم

- ۱- سخنانش زبصر و مستوع
- هر چه گفت و نوشت یافت وقوع
- ۲- شمس آياتش از همه اقطار
- بر همه ممکنات کرد سطوع
- ۳- بپشتش فزونتر از اجسام
- ز آسمان کتب نمود طلوع
- ۴- شهدايش بسزد قاضی عدل
- میرسد عدشان بحسد شیوع
- ۵- معجزاتش ز قول دشمن ودوست
- بر همه خاص و عام شد مسموع
- ۶- اثرايش در انفس و آفاق
- با همه منع ورد نشد ممنوع
- ۷- کلماتش از انبشار و نفوذ
- زین همه قطع و سد نشد مقطوع
- ۸- قول و قانون و دین او جا داشت
- تا شناسی تو صالح از مصدوع
- ۹- ذاتش از ذات خویش دانا بود
- شخصش از شخص خود توانا بود
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست *

بند هفتاد و یکم

- ۱- این عجب روزگشفت و کتمانست
- تیک پیدا و سخت پنهان است
- ۲- سرمشهور و وظا هر مستوع
- روزتاریک و شام تابان است
- ۳- مؤذن سرمنادی مخفی
- دزد با کرنا و بالان است
- ۴- کور بیننده است و کورشوا
- لال گوینده لنگ پویان است
- ۵- لیک بیننده کور و شنوا کور
- مردگان زنده زنده بیجان است
- ۶- آن یک از سرمست سرکتب
- یافت اسرار و بلیه نادان است
- ۷- آن یک از ابده بدیهیات
- مانده محروم و بحر برهان است
- ۸- بر حکیمان چگونه شد مکتوم
- آنچه بر طفلگان نمایاست
- ۹- یاراغیا و محرمان محروم
- فتعالی المهیمن القیوم

۱- ۹ معنی ابیات واضحست •

بیت ۴ و ۵ - اشاره ببیان حضرت مسیح است که فرمود من در این جهان بجهت داوری آمده ام تا کوران بینا و بینایان کورشوند (انجیل یوحنا فصل ۹ / ۳۹) همانطور که این مطلب در ظهور مسیح جاری بود در دوره رجعتش هم که ظهور جمال قدم است جاری و موثر است •

بند هفتاد و دوم

- ۱- هان بیائید کشف را زکنیم
- در صندوق بسته با زکنیم
- ۲- نتوانیم متفق شد اگر
- نتوانیم کشف را زکنیم
- ۳- بود این مطلب عظیم و مهم
- باید این قصه را در ازکنیم
- ۴- بی نیاز است حق زطاعت ما
- ما با وطاعت ازبیا زکنیم
- ۵- در کتاب خدا بیندیشیم
- تا که نیک ازبدا متیا زکنیم
- ۶- لیکن اندیشه از درانصاف
- ازین جستجوی را زکنیم
- ۷- از لجاج و تعصب و تقلید
- باید البته احترام را زکنیم
- ۸- پس طریق نجات را به نیاز
- طلب از لطف کار سازکنیم
- ۹- کی پدر بر سر کند ایثار
- جای نان سنگ و جای ماهی مسار
- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست • بیت نهم اشاره ببیان حضرت مسیح است که در باره انجیل متی فصل ۷ / ۹ و لوقا فصل ۱۱ / ۱۱
- وارشده است مراجعه شود •

بند هفتاد و سوم

- ۱- برفلك شد يسوع يعنى چه
 - ۲- آنچه داود در حق خود گفت
 - ۳- ذكر با مر آنچه بر خود گفت
 - ۴- آن مقامى كه از سليمان بود
 - ۵- چون مسيح است اول و آخر
 - ۶- ايليا بر سپهر كرد عروج
 - ۷- برفلك آن ستاره سحرى
 - ۸- همچو برقى بر آيد از مشرق
 - ۹- گرنه واقف شوى بتركيب
- كى توكا در شوى بخرق حجب

۱- معنى ابیات واضحست *

- ۱- داستان صعود مسیح در انجیل لوقا فصل ۵۱/۲۴ و مرقس فصل ۱۶/۱۹ و اعمال رسولان فصل ۹/۱ مسطور است و قضیه رجعت آن حضرت در انجیل یوحنا فصل ۱۶/۱۲-۱۹ و فصل ۱۴/۱۸-۲۸ و فصل ۳ رساله دوم پطرس رسول و مکاشفات یوحنا ۲/۲۲ و ۱۲ و سایر مواضع مندرجست *
- ۲- در مورد دوم آیه هشتم مزامیر داود وارد است که حضرت داود میفرماید خدا بمن گفت تو یسرمن هستی امروز تورا تولید نمودم ولی در اعمال رسول فصل ۱۳/۳۳ ... مذکور است که پولس رسول این بیان داود حضرت مسیح تفسیر تعبیر میکرد و در رساله عبرانیان فصل ۱/۵ نیز تفسیر این بیان داود درباره حضرت مسیح وارد شده است * و همچنین در مزمور ۶۹ آیه بیست و یکم داود درباره خود فرموده که دشمنان بمن که تشنه بودم بجای آب سرکه نوشانیدند ولی در انجیل یوحنا فصل ۱۹/۱۸ و انجیل متی فصل ۲۷/۳۴ و ۴۸ و مرقس فصل ۱۵/۳۶ و ۲۳ و لوقا فصل ۲۳/۳۶ درباره مسیح این بیان را تفسیر کرده است * و همچنین داستان قرعه افکندن بر لباس راکه داود درباره خود فرموده (مزامیر فصل ۱۸/۲۲)
- ۳- در انجیل یوحنا ۱۹/۲۳ و لوقا فصل ۲۳/۳۴ و مرقس فصل ۱۵/۲۴ متی فصل ۲۷/۳۵ درباره مسیح تفسیر و تعبیر

فرموده است •

۳- داستان ۳۰ پاره نقره را که ذکر یاد در فصل ۱۱/۱۲ کتاب خود درباره خود ذکر کرده در انجیل متی فصل ۲۷/۳ •••

آن را نسبت بمسیح تفسیر کرده است (متی در این جا این نبوت را بجای ذکر یا اشتباه با رمیا نسبت داده با آنکه در رمیا این طور سخنی نیست و این از اشتباهات صریحه انجیل متی است •)

۴- مطابق نص مزامیر فصل ۱۱/۱۲۲ خداوند داود سوگند یاد کرد و مژده داد که از ثمره بطن او بر تخت بگذارد که مراد حضرت سلیمان است که پسر داود بود و بعد از پدر سلطنت رسید ولی متی در نسب نامه عیسی آن حضرت را از اولاد داود میداند و در حقیقت استنادش بهمین نسب داود است (از دفتر جناب میرزا عبداللّه مطلق علیه الرحمه استفاده شد)

۵- اشاره ببیان وارد در انجیل است که از قول مسیح نقل شده است از جمله در مکاشفات فصل ۱۲/۲۲ و فصل ۸/۱ و ۱۷/۱۱ و فصل ۶/۲۱ و غیره مندرجست •

۶- داستان عروج ایلیا با آسمان در کتاب دوم ملوک فصل ۱۱/۲ و ذکر رجوعش در کتاب ملاکی نبی فصل ۵/۴ مذکور است •

۷- اشاره ببیان پطرس رسول است که در فصل ۱۹/۱ رساله دوم مندرجست ••• تا روز ششگانه و ستاره صبح در دل های

شما طلوع کند •

۸- اشاره ببیان مسیح است که در انجیل متی فصل ۲۴/۲۷ وارد شده است و در سوره هیکل جمال قدم جلّ اسده بتحقیق این مطلب اشاره فرموده بقوله تعالی قد ارسلنا من ایدناه بروج القدس لیخبرکم بهذالنورالذی اشرق من افق مشیه ربکم العلی الا بهی وظهرت فی الخرب آثاره •••

۹- مقصود واضحست •

بند هفتاد و چهارم

۱- ای برادر چشم جسمانی

مگر در کلام روحانی

۲- آنچه زاید ز روح آن روح است

و آنچه زاید ز جسم جسمانی

۳- گفت عیس بحضرت پطرس

کشف امثال من نتوانی

۴- میوز باد و صوت آن شنوی

و از کجا آید آن نمیدانی

۵- اشعیا گفت چشم و گوش آنروز

کور و کر شد بحکم یزدانی

۶- گوید آن من که خط بیارم خواند

چون بخوانم کلام سبحانی

۷- گوید این یک که نامه سر بسته است

چون توان کشف راز پنهانی

۸- باز گوید بوصف حضرت روح

کا و چو آید بحکم ربانی

۹- لب او را گشایم از امثال

که نگوید سخن بغیر امثال

۱- معنی ابیات واضحست *

۱- آ اشاره ب بیان مسیح است که در انجیل یوحنا فصل

۶/۳ وارد شده است فصل ۴/۳ اشاره بمندرجات انجیل

یوحنا فصل ۱/۳- ۱۲ میباشد مراجعه فرمایند *

۵- ۷- اشاره بمندرجات کتاب اشعیا ی نبی فصل ۱۰/۲۹-

۱۳ میباشد مراجعه شود *

۸- ۹- در مزمرا میرداود مزمور هفتاد و هشتم آیه ۲ وارد شده که

دهان خود را به مثل باز خواهم کرد و آنچه از بنای عالم مخفی

بود نطق خواهم نمود * در انجیل متی فصل ۱۳/۴ نبوت

مزمور را درباره مسیح دانسته و در انجیل یوحنا فصل ۲۵/۲۶

نیز این معنی تصریح شده است برای تفصیل با انجیل مراجعه

شود *

بند هفتاد و پنج

- ۱- آنکه تاویل قول عیسی کرد
تا ندا وحل صد معما کرد
- ۲- گفتی اوجن زمغز کرد برون
دیو و جن کی بمغز ماوی کرد
- ۳- برز شیطان بکو عیسی را
روح را او چگونه اغوا کرد
- ۴- رفت بر کوه تا جهان بیند
قله چون سطح گرد پیدا کرد
- ۵- نماید بزرگ کوچک را
کوکبی چون بخانه ایما کرد
- ۶- گفت زبزد ستارگان بزمین
شمس ها روی ذره چون جا کرد
- ۷- کور بینا کنیم و بینا کور
گفت از آن حق گرا هویدا کرد
- ۸- کرد عیسی کدام بینا کور
گیرم او مرد کور بینا کرد
- ۹- پس در انجیل قول منقول است
جز تاویل غیر منقول است

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست •
- ۱- ۲- اشاره بمندرجات انجیل متی فصل ۸/۲۸ فرموده
برای اطلاع بانجیل مراجعه شود •
- ۳- ۴- اشاره بمندرجات فصل ۴/۱- ۱۲ کتاب انجیل متی
است •
- ۵- اشاره بداستان راهنمائی ستاره است که مجوسیان را بمحل
مسیح هدایت کرد و شرح آن در انجیل متی فصل ۲/۱- ۱۲
مندرجست •
- ۶- اشاره ببیان خود مسیح است که درباره علامات ظهور
موعود از جمله سقوط ستارگان را ذکر فرموده است •
- ۷- ۸- اشاره است بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۹/۳۹ که
مسیح فرموده من در این جهان بجهت داوری آدم تا کوران
بینا و بینایان کور شوند داستان بینا شدن کورهم در همین فصل
۹ یوحنا مسطور است و معنی آن واضح است •
- ۹- معنی واضحست •

بند هفتاد و ششم

- ۱- روح خود بس مثال کرد بیجان
کان بیا ترا کنم دوباره عیان
- ۲- موت تن بد خرابی هیکل
قتل او بود راندن چوپان
- ۳- شخم تبلیغ و تخم قول خدای
حصد و حاصله بین تبیان
- ۴- نص و بدعت چون گندم و کرکاس
دین و عالم چو مزرع و دهقان
- ۵- روزی و رزق و نان همه تعلیم
روح و جان و حیات شد ایمان
- ۶- آب و آتش ثبات و نسخ حدود
نور و ظلمت قبول و رد بیجان
- ۷- روزیوم ظهر و شب غیبت
کور مرد بلید و کربانان
- ۸- مرده و زنده مؤمن و کافر
ماه و خورشید جلوه جانان
- ۹- ملم اول مقام وحدت اوست
ملم آخر بیان رجعت اوست

- ۱-۲- مصراع اول بیت دوم اشاره بمندرجات انجیل یوحنا
فصل ۱۸/۲ - ۲/۲ و مضمون مصراع ثانی اشاره بمطلب مذکور
در انجیل متی فصل ۲۱/۲۱ - ۲۶ میباشد که مسیح فرمود
شبان را خواهم زد . . . و این اشاره بشهادت آن حضرت بود
و اصل این نبوت در زکریا فصل ۱۳/۷ مسطور است .
- ۳-۴- اشاره بمندرجات انجیل متی است که در باب ۱۲ آیه
۲۴ بعد شرحی فرمود و دین حق را بگندم و بدعتها را بگرگاس
تشبیه کرده است و شرح این مثل که فرموده بتفصیل در آیه ۳۷
بعد همین فصل ۱۳ مسطور است مراجعه شود .
- ۵- در مواضع مختلفه انجیل از احکام الهیه بروزی و رزق و نان
و از ایمان بحیات و زندگی تعبیر شده است از جمله در انجیل متی
فصل ۱۶/۶ - ۱۳ که ذکر خمیرمایه شده بصراحت فرموده که
مقصود اخذ تعلیم از فریسیان و صدوقیان بود که مسیح آنها را نهی
کرده است و در انجیل یوحنا فصل ۶ تا ۲۷ - ۴۴ شرح نان و معنی
آن ذکر شده است و از این قبیل مواضع بسیار است و اما تشبیه
ایمان بحیات و روح نیز در بسیاری از مواضع انجیل از جمله انجیل
یوحنا فصل ۳/۲۶ وارد شده که میفرماید هر که بپسران ایمان
آورد هرگز نمیمیرد و همیشه زنده است برای سایر مواضع با انجیل
مراجعه کرد .
- ۶- مصراع اول اشاره بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۱/۲۶ و

۲۱ و ۳۳ میباشند که ذکر تعمید بآب و آتش شده و مقصود اثبات و نسخ حدود سابقه است و مصراع ثانی اشاره بمتدرجات انجیل است که ایمان و قبول امر الهی را بنور و کفر و اعراض را بظلمت تعبیر کرده است برای تفصیل بکاشفات فصل ۲۱/۲۳-۲۷ و فصل ۲۲/۳-۶ و انجیل یوحنا فصل ۱۲/۴۶ و فصل ۸/۱۲-۱۳

و... مراجعه شود *

۷- در انجیل از دوران ظهور مسیح بروز و از دوره غیبت و صعودش بشب تعبیر شده و از مردم احمق معرض و نادان بکورو کور تعبیر فرموده مضمون مصراع اول در انجیل یوحنا فصل ۹/۴ و غیره و مصراع ثانی در انجیل متی فصل ۱۳/۱۳ و سایر مواضع متعدده مندرجست *

۸- در انجیل از مومن و کافر مرده و زنده و از ظهور مظهر امر اللهباه و خورشید تعبیر شده اما مضمون مصراع اول در سراسر انجیل مسطورا ز جمله در رساله اول پطرس فصل ۴/۵ و رساله اول یوحنا فصل ۳/۱۴ و غیره میباشد و مضمون ثانی در انجیل یوحنا فصل ۹/۵ و غیره اشاره شده است *

۹- اشاره ببیان حضرت مسیح است که از قبل ذکر شد و در مکاشفات فصل ۲۲/۱۳ مسطورا است *

بند هفتاد و هفتم

- ۱- روح قدس مهیمن قادر
واحد است آن و از احدی قادر
- ۲- ازلی اللّقاء من الاول
ابدی البقاء الی الاخر
- ۳- نور قهارا و شدت وضعف
در مظاهر چو می شود ظاهر
- ۴- آن شدید القوای ذومرّه
میزند صیحه ان القاهر
- ۵- که منم آخر و منم اول ***
هم منم ناهی و منم آمر
- ۶- هم عظیم التکال وهم راحم
هم شدید العقاب وهم غافر
- ۷- این تجلی بوحدت و رجعت
در همه انبیا بود سائر
- ۸- گفت عیسی ز جسم فائده نیست
تو بروح القدس مشو کافر
- ۹- در همه انبیا همین نور است
کفر بر نور غیر مغفورا است

۱-۷ = معنی واضحست و این بند در بیان رجعت و معنی آن است •

۸-۹ = اشاره ب بیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل ۲۱/۱۲ مضمون بیت هشتم مذکور شده و در انجیل لوقا فصل ۱۳/۱۲ و مرقس فصل ۲۹/۳ نیز مسطور است و مضمون بیت نهم نیز اشاره بهمین مطلبست و معنی واضحست •

بند هفتاد و هشتم

- ۱- روح وحی از مهین بی چون
گشت نازل بر ابیابقرون
- ۲- این همان روح ناطق از موسی است
وزمشایخ زبوشع و هارون
- ۳- این همان روح بد که شد نازل
گه بیفتاح و گاه برجدعون
- ۴- این همان روح بود برداود
بشموئیل و شاول و شمسون
- ۵- این همان روح ایلیاکه سپرد
بالیشع چون برفت برکردون
- ۶- این همان روح اشعیاست که گفت
منم از روح حق شده مشحون
- ۷- این همان روح چون کبوتر بود
کز سما بر مسیح یافت سکون
- ۸- این همان روح کا حمد مرسل
یک جهان بت پرست کرد زبون
- ۹- این همان روح حضرت اعلی است
که مبشر طلعت ابهی است

- ۱-۲- شرح حال موسی و یوشع وصی موسی و هرون برادران حضرت در سفر خروج عهد عتیق بتفصیل مسطوراست •
- ۳- شرح حال یفتاح وجد عون که از داوران بنی اسرائیل بودند در سفر داوران عهد عتیق مسطوراست •
- ۴- شرح حال داود و شاول و سموئیل در کتاب سموئیل و کتاب ملوک عهد عتیق و شرح حال شمسون در سفر داوران مسطور است •
- ۵- شرح صعود ایلیا با آسمان و نبوت الیشع در کتاب ملوک عهد عتیق مسطوراست •
- ۶- این نبوت در کتاب اشعیا مسطوراست فصل ۱/۶۱
- ۷- بانجیل متی فصل ۶/۳ مراجعه شود •
- ۸-۹- معنی واضحست برای تفصیل بکتاب تواریخ مراجعه شود • و مقصود ذکر معنی رجعت است که در ایقان مبارک نازل شده •

بند هفتاد و نهم

- ۱- آنچه در انبیا مجلسی بود جلوه روح قدس اعلی بود
- ۲- اول اول آخر آخر
- ۳- نوحه نوح بود و خل خلیل نام موسی و روح عیسی بود
- ۴- داد داود و اسم سموئیل هوش هوشیع و شوق شعیا بود
- ۵- عشق یوشع حذاقت حزقیل حب حبقوق و عزعزرا بود
- ۶- دانش دانیال و هم میکا محرم ارمیا و یحیی بود
- ۷- رحمت احمد و علو علی نورا علی بهاء ابهی بود
- ۸- زور زردشت و شوکت شکمون کنه کنفوس و بود بود ابود
- ۹- هست یک شمس و یک شعاع وسطوع گر کند صد هزار بار طلوع
- ۱-۹- بالواح مبارکه از قبیل کتاب مبارک ایقان و غیره مراجعه شود • و مقصود بیان وحدت حقیقه انبیاست •

بند هشتاد و یکم

- ۱- ناطق انبیایکی است یکی
- بلکه از اولیایکی است یکی
- ۲- آدم و نوح و موسی و عیسی
- تابعید البهائه یکی است یکی
- ۳- همه فرمان پذیر و فرمانبر
- شاه فرمانروایکی است یکی
- ۴- خادم و خدمت اربود بسیار
- لیک مخدوم هایکی است یکی
- ۵- خوربمه مه در آب و آب بسقف
- گرنیاید ضیایکی است یکی
- ۶- دو مگور و قدس و روح امین
- نور و وضوء و سنایکی است یکی
- ۷- دو مبین در محمد و عیسی
- ای برادر خدایکی است یکی
- ۸- ظاهر و باطن اول و آخر
- مبد و ملت هایکی است یکی
- ۹- گفت پولس مسیح نتوانی
- خواند رب جزیر و روح ربانی

۱- ۸- معنی ابیات واضح است

۹- برساله پولس بفریبتیان فصل ۱۲/۳ مراجعه شود .

بند هشتاد و یکم

- ۱- گفت موسی بحکم قدیم
- تا ابد زنده ام بذات قویم
- ۲- گفت میکا یوصف حضرت روح
- بد ظهورا تش از زمان قدیم
- ۳- گفت عیسی بقویم من بودم
- پیشتر از زمان ابراهیم
- ۴- هم سلیمان سرود من بودم
- وقت خلق سما و عرش عظیم
- ۵- مصطفی گفت من بی بودم
- بود آدم در آب و خاک مقیم
- ۶- گفت حید ریسر و جهرشدم
- با همه انبیاء صدیق صمیم
- ۷- هر به پنجه هزار سال حسین
- با هزار آدم آمده است ندیم
- ۸- گفت قائم کز آدم و خاتم
- هر که خواهی منم بخلق کریم
- ۹- این همه گفته هانه از جسد است
- بلکه از روح واحد احد است

- ۱- بسفرتثنیه فصل ۴۰/۳۲ مراجعه شود *
- ۲- بکتاب میکافصل ۲/۵ مراجعه شود *
- ۳- بانجیل یوحنا فصل ۵۸/۸ مراجعه شود *
- ۴- بکتاب سلیمان فصل ۲۳/۸ تا ۳۲ مراجعه شود (امثال سلیمان در عهد عتیق ۰)
- ۵- اشاره بحدیث نبوی است که فرمود کنت نبیا و آدم بین الماء والطين *
- ۶- اشاره بفرمایش حضرت امیراست که فرمود کنت مع الانبیاء سراومع محمد جهرا *
- ۷- برای تفصیل بکتاب مبارک ایقان مراجعه شود * ایمن حدیث را حضرت حسین علیه السلام بسلمان فارسی فرموده اند *
- ۸- اشاره بمضمون حدیث مفضل است که در بحار الانوار جلد ۱۳ از حضرت صادق روایت شده که چون قائم ظاهر شود خود رادارای صفات و مزایای جمیع انبیا و اولیا معرفی میفرماید * برای تفصیل بکتاب فرائد صفحه ۳۲۶ طبع مصر مراجعه شود *
- ۹- معنی واضحست و برای تفصیل بکتاب مبارک ایقان مراجعه شود قوله تعالی حاملان امانت احدیه ... الخ

بند هشتمادو دوم

- ۱- خواهی از سر رجعت و توحید
بنگرد رکلام رب مجید
- ۲- حق بد او گوید ای فرزند
کردم امروز مرا تالیف
- ۳- گفت پولس که آن پسر عیسی است
آن پسر شد باین پسر تجدید
- ۴- باز داد گوید افکند
قرعه بر جامه ام بظلم شدید
- ۵- زکریا سروده نیزه زند
بر من آن از مسیح گشت پدید
- ۶- باز گوید بهای من دادند
شد بسی پاره قیمتم تحدید
- ۷- روح حق بر منست شعیا گفت
گفت عیسی منم بحکم جدید
- ۸- زکریا و شعیا و رسول
همه عیسی است بید و یعیید
- ۹- گفت پطرس که بود روح مسیح
در همه انبیا بنص صریح

- ۱- ۳- نبوت داود در مزمور و بیان پولس در این خصوص و تطبیق این نبوت با مسیح در رساله عبرانیان فصل ۵/۱ و فصل ۵/۵ وارد شده است *
- ۴- ۵- این مطالب در بند های قبل ذکر شد برای تفصیل بمزمور ۱۸/۲۲ وانجیل یوحنا فصل ۱۹ و ۲۳ لوقا فصل ۳۴/۲۳ متی فصل ۳۵/۲۷ و زکریا فصل ۱۲/۱۹ و متی ۳/۲۷ *** مراجعه شود *
- ۶- بکتاب زکریا فصل ۱۲/۱۱ و متی فصل ۳/۲۷ مراجعه شود *
- ۷- بفصل ۶۱ کتاب اشعیا آیه اول مراجعه شود *
- ۸- معنی واضحست *
- ۹- برساله اول پطرس رسول فصل ۱۰/۱ و ۱۱ مراجعه شود *

بند هشتماد و سوم

- ۱- گفت موسی ز قول ربّ جلیل
باسلیل خلیل و اسرائیل
- ۲- کز میان برادران شما
خواه از اسحق و خواه اسماعیل
- ۳- چون تو پیغمبری برانگیزم
با کتاب و شریعت و تنزیل
- ۴- در دهانش کلام خود بنهم
سخن از او طلب نه شق النیل
- ۵- آنچه گویم بقوم خواهد گفت
اورسول است از خدای جلیل
- ۶- هر که نشنود از او بود مسئول
کی سزدامتحان ربّ نبیل
- ۷- و برگفت آنچه من فرمودم
آن نبی خود شود حقیق و قنیل
- ۸- گوئی ارقول حق چسان دانم
قول حق را بود وقوع دلیل
- ۹- این چنین مژده میدهد موسی
بنگر چیست مژده عیسی
- ۱- ۹- بفصل ۱۸ سفر تثنیه مراجعه شود * مقصود اثبات حقا نیت پیغمبر اسلام حضرت رسول ص از روی عهد عتیق است *

بند هشتمادوچهارم

- ۱- کان تسلی تمام میآید
- یعنی احمد بنام میآید
- ۲- رفتن من از آن مفید شماست
- ۳- اوجهان برگنه ^{کنند} ملامت
- که بسیف وحسام میآید
- ۴- داوری میکند رئیس جهان
- از پی انتقام میآید
- ۵- حمل حکمش هنوز نتوانید
- چون بدیگر نظام میآید
- ۶- کند از راستی هدایت خلق
- با کتاب تمام میآید
- ۷- با شما گویند آنچه میشوند
- کویوحی و کلام میآید
- ۸- هم خبر میدهند باینده
- ذکر یوم القیام میآید
- ۹- او مهابس جلال خواهد داد
- تا چه گفتیم کمال خواهد داد

- ۱-۹- بفصل ۱۶ انجیل یوحنا مراجعه شود برای تفصیل
- بمکاتیب دوم ص ۵۷ - ۶۲ مراجعه فرماید • در این بند برای
- اثبات دین اسلام و حقانیت حضرت رسول (ص) از انجیل
- استدلال شده است •

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- وحی یزدان بشاه بطحاییین

نص قرآن بذکر ابھاییین

۲- گفت یکسر زمین بقبضه اوست

بانگ وحدت میان دنیاییین

۳- گفت عرش خدای برآب است

قصر اورا میان دریاییین

۴- گفت آنروز امر خاص خداست

امرا و را روان در اشیاییین

۵- گفت بروجه ربّ نظاره کنند

زمره زائران عکاییین

۶- گفت برحق همه قیام کنند

دشمن و دوست را مھییاییین

۷- گفت محبوب میشود از ربّ

بی سبب احتجاب اعداییین

۸- گفت بشنوند ای ارض قریب

قرب بطحا بارض بیضاییین

۹- همه احکام شرع معقول است

لیکن اسرار بر تو مجهول است

۱- ۲- اشاره بآیه مبارک سوره زمر است که فرمود والا رض جمعیا

قبضته یوم القیامه . . . آیه ۶۷)

۲- در سوره مبارکه هود آیه نهم میفرماید . . . وکان عرشه علی الماء .

۴- در سوره انفطار آیه ۱۷ میفرماید . . . والا مریموئذ لله .

۵- در سوره قیامت آیه ۲۲ بعد میفرماید . . . وجوه یومئذ ناضره الی ربھاناظره . . .

۶- در سوره المطففین آیه ششم فرموده یوم یقوم الناس لرب العالمین

۷- در سوره المطففین آیه ۱۵ میفرماید کلا انھم عن ربھم یومئذ لمحجوبون . . .

۸- در سوره ق آیه ۴۰ - ۴۱ فرمود واستمع یوم ینادی المناد من مکان قریب .

۹- مقصود واضح است . و منظور تطبیق بشارات وارده در قرآن مجید با ظهور مبارک رب مجید است درست دقت فرمائید .

- ۱- آن مکاشف چودیده بگشاده است از خدا دیده و خبر داده است
 - ۲- دیده کز آسمان و ارض جدید
 - ۳- حق زمین جدید اورشلیم
 - ۴- چون عروس از برای دامادش شهرش آراسته است و آماده است
 - ۵- پس شنیده سرارقات جلال
 - ۶- دیده حق را که باب فصل و عطا
 - ۷- گو مگر شهر قدس اورشلیم
 - ۸- چون تواند که بر زمین افتد شهری از آسمان نیفتاده است
 - ۹- گویمت کان مدینه دین خداست
- دین ابهی بعمره عکاست

- ۱- ۹- اشاره بنبوت وارد در مکاشفات یوحنا فصل ۱/۲۱-۶
میباشد و تفسیر آن نیز اشاره شده برای اطلاع کامل بکتاب
مبارک مفاویجات مراجعه شود •

بند هشتم و هفتم

- ۱- شهر عکاکه ارض میعاد است
- وعد حق بر خلیل واولا داست
- ۲- او ست شهر جدید اورشلیم
- چونکه منصوص ارض میعاد است
- ۳- چونکه دارالسلام واورشلیم
- بیک معنی است بنهاد است
- ۴- چونکه دین را بلفظ شهر و عروس
- در صحف اصطلاح معتاد است
- ۵- هست شهر جدید شرع جدید
- بسه معنی بوجه اسناد است
- ۶- از در لفظ و معنی و تاویل
- جمع اضداد و لفان داد است
- ۷- این چورمز صریح یوحنا است
- بطن در بطن سراجاد است
- ۸- روز سال است و سال سیصد و شصت
- راست سه روز و نیم میعاد است
- ۹- سر سراسر باطن باطن
- مثل نوره کمشک

- ۱- ۲- وعده حق بابراهیم واولا دش ۵/۱۲ بعد سفر
- پیدایش ذکر شده است • و در فصل ۱۵ آیه ۷ و ۱۵ نیز ذکر
- مذکور شده است و در فصل ۸/۱۷ پیدایش نیز مذکور است •
- ۳- ۷- معنی واضحست و مقصود شرح اورشلیم جدید است
- برای اطلاع بکتاب مبارک مفاوضات در تفسیر نبوت مکاشفات یوحنا
- مراجعه شود •
- ۸- اشاره ببیان یوحنا فصل ۹/۱۱ مکاشفات است برای
- اطلاع بکتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود •

بند هشتاد و هشتم

- ۱- همه انبیاء زرب نبیـــــــــــــــل
داده اخبار این ظهور جلیل
- ۲- از وجودش سرود آدم و نـــــــــــــــــــــوح
و زرد رودش کلیم گفت و خلیــــــــــــــــــــل
- ۳- مژده او به هوش و داود
هیبت او ملاکی و یوئیل
- ۴- سال او دانیال و یوحنا
قدرت او صفینه و حزقیــــــــــــــــــــل
- ۵- زکریا و حکمی از اعظـــــــــــــــــــــم
اشعیا و رمیاهم از تجلیــــــــــــــــــــل
- ۶- از مجیش مسیح و روح قدس
وزلقایش محمد و جبریــــــــــــــــــــل
- ۷- از صفاتش زبور با تـــــــــــــــــــــورا
وزعلامات مصحف و انجیــــــــــــــــــــل
- ۸- علی وفاطمه ز نام و نشان
با قروجعفر از مقام و دلیــــــــــــــــــــل
- ۹- همه انبیا که پی ز پی اند
منذ ربین و مشربین وی اند

- ۱- ۲- در تورات تثنیه فصل ۳۶ و فصل ۳۳ و سفر پیدایش فصل ۱۲/۷- ۹ و فصل ۱۳/۴ و غیره درود نعت کلیم و خلیل مسطور است *
- ۳- مژده هوش در فصل ۱۱/۲۰ کتاب هوش و مژده داود در مزمور ۱/۵ و مژده ملاکی در فصل ۳ کتاب ملاکی و مژده یوئیل در ۱/۲ کتاب یوئیل مسطور است .
- ۴- تاریخ دانیال در فصل ۱۳/۸ کتاب دانیال و فصل ۱۲/۶ و تاریخ یوحنا در فصل ۱۱/۳ مکاشفات مندرجست برای تفصیل بکتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود * و مژده صفتیای نبی در فصل ۱/۱۴ کتاب صفتیا و مژده حزقیل در فصل ۲۰/۳۳ کتاب حزقیل و سایر مواضع مسطور است *
- ۵- مژده زکریا در فصل ۱۱/۲ کتاب زکریا و مژده حکمی در فصل ۶/۲ کتاب حکمی مسطور است مژده اشعیا در سراسر کتابش وارد شده از جمله در فصل ۲/۲ و ۱۰ و فصل ۶/۹ و فصل ۷/۱۷ و فصل ۱۵/۲۴ و صد ها موضع دیگر مسطور است و مژده ارمیادار در فصل ۳/۱۷ کتاب ارمیا و فصل ۳۱/۶ و فصل ۳۲/۳۷ و غیره مسطور است *
- ۶- بشارت آمدن ظهور کلی الهی در انجیل اربعه باسم پدر آسمانی و ظهور آسمان جدید وارض جدید و غیره وارد شده و در بسیاری از مواضع از جمله انجیل متی فصل ۲۱/۳۳-۴۲ و لوقا

فصل ۹/۲-۱۷ و مرقس فصل ۱/۱۲-۱۰ و نامه اول به
قرنتیان فصل ۵/۴ و هزاران موضع دیگر مندرجست و اما آیات
لقاء الله در قرآن بسیار وارد شده برای تفصیل بکتاب مبارک
ایقان مراجعه شود *

۷- آیات تورات و زبور داود از قبل نگاشته شد و علامات ظهور
در انجیل فصل ۲۴ متی و در قرآن در سوره های متعدده
است بکتاب فرائد مراجعه شود *

۸- برای نصوص احادیث وارد شده از حضرت فاطمه در باره
قائم بلوچ فاطمه و برای احادیث حضرت باقر صادق (ع) بفرائد
و کتب استدلالیه مانند کتاب بحرالعرفان جناب افشار رودلائی
العرفان مرحوم حاج میرزا حیدر علی اصفهانی مراجعه شود *

۹- معنی واضحست *

بند هفتاد و نهم

۱- گفته یوئیل روز حق آید

او بارض مقدس آسایید

۲- گفته حزقیل از ره مشرق

حق در اینجا نزول فرماید

۳- ارمیا گوید آن زمان گویند

رفتن اندر حضور حق بایید

۴- اشعیا گفته هر کسی آنروز

دیده بر روی یهوه بگشاید

۵- گفته داود مژده ده که خدا

سلطنت بر زمانه بنمایید

۶- زکریا سروده رب جنود

اندر این ملک آید و پایید

۷- گفته عیسی که ای پدر یقین

ملکوت تو در جهان آید

۸- گفته فاش و صریح یوحنا

آنکه بوده است و هست میآید

۹- در مزامیر گفته طور بطور

حق نماید ظهور و در بر

- ۱- بباب سوم آیه ۱۶ کتاب یوئیل مراجعه شود *
- ۲- بکتاب حزقیل فصل ۱/۴۳ - ۵ مراجعه شود *
- ۳- بکتاب ارمیا فصل ۶/۳۱ مراجعه شود *
- ۴- بکتاب اشعیا فصل ۸/۲۵ مراجعه شود *
- ۵- بمزامیر فصل ۷/۲۴ و ۸ مراجعه شود *
- ۶- بکتاب زکریا فصل ۱۰/۲ مراجعه شود *
- ۷- بانجیل لوقا فصل ۱۱ آیات نماز مراجعه شود *
- ۸- بمکاشفات یوحنا فصل ۸/۲ و فصل ۳/۲۲ مراجعه شود *
- ۹- بمزمور ۱۰/۱۴۶ مراجعه شود *

بند سوم

- ۱- مژده کامد بهار یار دگر
- شده جهان لاله زار یار دگر
- ۲- ایلیا آمد و برای مسیح
- کرد جان را نثار یار دگر
- ۳- گشت بریا بجرم حق جوئی
- بند و زنجیرودار یار دگر
- ۴- پی دعوت حواریان گشتند
- گرد شهرود یار یار دگر
- ۵- برفشاندند خاک استغنا
- برخ روزگار یار دگر
- ۶- گشت هر با جگیر و ماهی گیر
- مرد مردم شکار یار دگر
- ۷- شد یکی کشته و یکی مسجون
- و آن دگر خوار و زار یار دگر
- ۸- پس را امروز از میکوبند
- از پیدر آشکار یار دگر
- ۹- که مسیحا از آسمان آمد
- ملکوت پدیدار یار دگر

در ابیات این بند آنچه از حواریین در دوره ظهور مسیح ظاهر شده با آنچه از حواریین حضرت بها^۱ اللّه در این ظهور مبارک ظاهر شده تطبیق گردیده است از این قرار •

۱- ۲- مقصود از ایلیا که بر حسب بشارت ملاکی باید قبل از مسیح ظاهر شود حضرت رب اعلی جل اسمه است که قبل از مسیح در دوره رجعتش ظاهر شد و این مطلب از قبل ذکر شد و مقصود از نزول ایلیا مسطور شد •

۳- ۴- معنی واضحست •

۵- اشاره بمندرجات متی فصل ۱۴/۱ ولوقا فصل ۵/۹ و فصل ۱۱/۱۰ و مرقس فصل ۱۱/۶ فرموده است •

۶- اشاره بمندرجات متی فصل ۳۲/۲۱ و یوحنا ۴۸/۷ و نیز اشاره بایمان پطرس رسول است که در انجیل مسطور است •

۷- معنی واضحست •

۸- ۹- یعنی مژده مسیح در باره ملکوت که نصوصش از قبل گذشت ظاهر شد و مقصود از پسر حضرت عبدالبها^۲ و ازید جمال قدم است •

بند نود و یکم

۱- روح یکتا چگونه عیسی بود

حق تعالی چگونه عیسی بود

۲- شخص داود و اشعیا و دیگر

ذکر یا چگونه عیسی بود

۳- منتظر هیچکس نبود بسنگ

سنگ موسی چگونه عیسی بود

۴- گره بهر نتیجه بود و ثمر

مار رقتا چگونه عیسی بود

۵- گره از راه علم بود و حیات

من و سلوی چگونه عیسی بود

۶- گرنبد یادگار خون و جسد

خیز و صهبا چگونه عیسی بود

۷- بهر اسحق بره قربان شد

بره اینجا چگونه عیسی بود

۸- یهوه و شیلوعما نوئیسل

به سما چگونه عیسی بود

۹- نیست مقصود اسم و جسم و ادات

بلکه مقصود معنی است و صفات

۱-۲- اشاره بمندرجات مزموردوم آیه ۸ دربارہ داود و فصل ۶۱ کتاب اشعیا و فصل ۱/۴۲ و فصل ۱۱/۱۲ کتاب زکریا است که در انجیل متی چنانچه پیش از این ذکر شد همه اینها کتب در باره داود و اشعیا و زکریا بود در باره حضرت مسیح تطبیق شده است •

۳- در باب ۱۷ سفر خروج و باب ۲۰ سفر اعداد داستان سنگی که از آن موسی آب برای قوم بیرون آورد مذکور است و پولس در رساله اول خود بقرنتیان فصل ۴/۱۰ میگوید که این سنگ اشاره بحضرت مسیح است •

۴- در سفر اعداد فصل ۵/۲۱ قضیه مار مرگی که موسی بلند کرد تا و با زبین مردم مرتفع شد مذکور است و در انجیل یوحنا فصل ۱۴/۳ میگوید که ما را اشاره بحضرت مسیح بود و بلند کردن ما را اشاره بقیام مسیح بوده است •

۵- قضیه من وسلوی و نزول مائده از آسمان برای قوم موسی در فصل ۱۶ سفر خروج مسطور است و در انجیل یوحنا فصل ۳۰/۶ بعد آنرا در باره مسیح مقرر داشته است •

۶- در انجیل متی فصل ۲۶/۲۶ ••• مسطور است • که مسیح بشاگردان خود در شب عشای ربانی نان و شراب داد و فرمود که این بدن و خون من است شرح این مطلب در مفاوضات از لسان مبارک نازل گردیده است •

۷- داستان قربانی اسحق و رسیدن قدا در سفر پیدایش فصل ۲۲ مسطور است و در انجیل این بره را رمزا مسیح دانسته انجیل فصل ۱/۲۶ و ۲۹

۸- اطلاق بیهوه و خدا بر مسیح در انجیل متی فصل ۳/۲ میباشد که نبوت اشعیا را در باره حضرت مسیح نقل میکند و نیز نبوت مذکور فصل ۲/۳۳ تثنیه که ظهور بیهوه را از سایه بر حضرت مسیح تعبیر میکنند و شیلود سفر پیدایش از قول یعقوب حضرت مسیح اطلاق شده و نیز از لسان داود در زمورد ۸۷/۶۰ ذکر شده است و عا نوئیل در فصل ۷ کتاب اشعیا وارد و در انجیل متی بحضرت مسیح تطبیق شده چنانچه از قبل گذشت •

۹- معنی واضح است •

بند نود و دوم

- ۱- روح اعلی چگونه عیسی نیست
ذات ابهی چگونه عیسی نیست
- ۲- کورینا نمود و بیباک —
همچو عیسی چگونه عیسی نیست
- ۳- در تن دهر روح تازه دمید
این مسیحا چگونه عیسی نیست
- ۴- مردگان را بحلم و حکم
کرد احیا چگونه عیسی نیست
- ۵- بس علامات و معجزات از او
شد هویدا چگونه عیسی نیست
- ۶- بهر سلم و صلاح خلق افتاد
در لایا چگونه عیسی نیست
- ۷- کرد مبعوث بس حواریین
بهرد نیا چگونه عیسی نیست
- ۸- از برای نجات امت باز
شد مهیا چگونه عیسی نیست
- ۹- دهر را داد بهترین تنظیم
خلق را داد خوشترین تعلیم
تطبیق بشارت انجیل با ظهور مبارک جلال قدم جل جلاله

... که شده است دقت فمائده لذت بدید *

بند نود و سوم

- ۱- هر چه بدعت بدل بسنت کرد
کینه ها را همه محبت کرد
- ۲- مخزن بخش و فتنه و کین را
کان عفو و عطا و شفقت کرد
- ۳- منبع جهل و جور و طغیان را
منشاء عدل و علم و عفت کرد
- ۴- هم بجای جهاد و جنگ و جدل
حکم صلح و صلاح و الفت کرد
- ۵- دل و جان و روان مردم را
کان امن و امان و رحمت کرد
- ۶- نظم دنیا و دین و دولت را
با دوام و قوام و قدرت کرد
- ۷- شکل مسموخ آدمیت را
باز راجع بآدمیت کرد
- ۸- عالم مرده را ز نفخه صور
متحرک ز مرگ غفلت کرد
- ۹- قحط ایمان غلای دین برده
رزق امروز خالق آورده

بند بود و چهارم

۱- ایکه گفتی نجات از عیسی است

این بنائس بروی سیل فنا ست

۲- مومنی کونکرد آنچه شنید

گوید او را بروی ریگ بنا ست

۳- فضل عیسی اگرزی پدریست

افضلیت در آدم و حوا ست

۴- ازیدر کربردارث گناه

وارث ما درازگناه و خطا ست

۵- گرتوگوئی خدای را پسر است

بین هزاران پسر برای خدا ست

۶- آل داود و آل اسرائیل

همچنین هرکه پیرو عیسی است

۷- هم بنوراه بین و هم ایوب

اصطلاح بنوت از قدما ست

۸- شخص موعود احمدی آمد

گو تو موعود عیسوی بکجا ست

۹- مانده چشم یهود و توفلک

ایلیا خواهد او توروچ و ملک

۱-۲- اشاره بمندرجات انجیل متی فصل ۲۴/۷-۲۸

۲-۳- بکتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود •

۴-۷- در انجیل از مومنین پیسران خداتعبیر شده از جمله

بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۱/۱۴ و ۱۸ و ۳۴ و ۴۹ و سایر

مواضع مراجعه شود • و در تورات نیز این معنی مسطور است از

جمله بداود در موردوم آیه ۷ و ۸ کتاب اشعیا فصل ۶۳/۱۶ و

وهوشع فصل ۱/۱۰ و کتاب ایوب نبی فصل ۱/۶ و فصل ۱/۲ و

فصل ۳۸:۷ و غیره این مطلب مصرح است •

۸-۹- معنی واضحست و مقصود از موعود احمدی قائم آل محمد

است یهود چنانچه پیش از این گذشت بنص کتاب ملوک و کتاب

ملاکی منتظر آمدن ایلیا از آسمان و مسیحیین منتظر نزول عیسی

و ملائکه از آسمان بنص مندرجات کتاب اعمال رسولان و انانجیل

میباشند که نصوص آن پیش از این ذکر شد •

بنیاد بود وینجیم

۱- عیسی اقوام را هدایت کرد

مرده بودند و جان عنایت کرد

۲- کارمؤمن زمن بزرگتر است

گوید او گوچه کس چه آیت کرد

۳- در قیامت بین چهار کتاب

هر یکی مختلف حکایت کرد

۴- رویتش خاصه رسولان بود

هر رسولی بضد روایت کرد

۵- پولس او را چونطفه دید و رسل

هر یک او را شک از هدایت کرد

۶- وعد خود را ز معجزیونس

بیهودان کجاری است کرد

۷- مدفنش نشد روز و سه شب

بدو روز و دوشب کفایت کرد

۸- عصر جمعه بر روز یکشنبه است

زان بدایت بدین نهایت کرد

۹- عود او هم چو ایللیا باید

با جسد رفتنه با جسد آید

۱- بیت ثانی اشاره بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۱۴/۱۲

• میباشد

۳- مندرجات انجیل مرقس فصل ۱۶ و یوحنا فصل ۱۰ اولوقا

فصل ۲۴ ومتی فصل ۲۸ با یکدیگر مطالعه شود و اختلاف اقوال

درباره قیام مسیح مورد دقت قرار گیرد •

۴-۵- بمندرجات ۱۵/۴ نامه اول پولس بقرنتیان و سایر انجیل

و مواضع مراجعه شود و داستان شك درباره مسیح در حین رویت

در متی فصل ۲۸/۱۷ و غیره مسطوراست •

۶-۸- مطابق مندرجات متی فصل ۱۶/۱-۵ و فصل ۱۲/

۳۸-۴۱ حضرت مسیح بیهود وعده داده بود که معجزیونس

نسب را برای آنها آشکار کند و سه روز و سه شب در زیر زمین بماند

و بعد قیام کند همانطور که یونس سه روز و سه شب تمام در دل ماهی

ماند ولی باین قول وفا نکرد و بحساب هیچ يك از انجیل سه روز

و سه شب تمام در دل زمین باقی ماند برای اطلاع بانجیلها

مراجعه و تطبیق شود اما داستان یونس نبی و در شکم ماهی

محبوس شدنش در کتاب یونا (یونس) از عهد عتیق مندرجست

بفصل ۱/۱۷ ••• مراجعه شود •

۹- داستان بشارت نزول ایللیا قبل از موعود تورات در کتاب

ملاکی فصل ۴/۵ مسطوراست و حضرت عیسی فرمود که یحیی

تعمید دهند همان ایللیا بود که باید از آسمان بیاید چنانچه

در انجیل متی فصل ۱۴/۱۱ و فصل ۱۲/۱۲ و مرقس ۹/۱۱ و
لوقا فصل ۱۳/۱ مسطور است و داستان صعود ایلپا با آسمان
در کتاب ملوک مسطور شده مورد استدلالات واضح و برای تفصیل
بکتاب استدلالاتیه مراجعه شود •

بند بود و ششم

- ۱- چون خدا احمد و مسیح انگیخت
معترض بر بهانه ها آویخت
- ۲- کین چسان بر فلك قمر شق کرد
و آن چسان مردگان ز خاک انگیخت
- ۳- این چرا کافران بصحرا کشت
و آن چرا خوکها بدر باریخت
- ۴- آن یکی بد اقول باده پرست
و این بتزویج با زنان آمیخت
- ۵- این زمکه سوی مدینه شتافت
و آن زاقصی سوی جلیل گریخت
- ۶- آن چرا تا جران زمسجد راند
و این چرا زائران ز کمبه گسیخت
- ۷- آن چرا برد رخت نفرین کرد
و این چرا تیغ بر جهان آهیخت
- ۸- خواست این کینه چون بتخت رسید
کرد آن شکوه چون بدار آویخت
- ۹- صادق است آنکه گفت و کرد و نمود
معترض بود و هست و خواهد بود

۱-۲- معنی واضحست وداستان شق القمر درسوره القمر
قرآن مجید و تفاسیر قرآن وداستان زنده شدن مردگان در
اناجیل اربعه مسطوراست .

۳- داستان بدربار بختن گرازان در انجیل متی فصل ۸/۳۰
ومرقس فصل ۵/۱۱ و لوقا فصل ۸/۲۷ مسطوراست در انجیل
یوحنا ۲/۱۰ و لوقا فصل ۵/۳۷ و لوقا فصل ۷/۳۳ . است
که معترضی بپاده پرستی مسیح استدلال و اعراض میکند و
مصراع ثانی اشاره بآیات سوره احزاب قرآن و سوره تحریم و
سایر مواضع است که مورد اعتراض معترضین است .

۴- مصراع اول اشاره بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۲/۱۰
۵- معنی واضحست وداستان فرار مسیح بجلیل در یوحنا
فصل ۴/۱-۴ و متی فصل ۴/۱۲ و یوحنا فصل ۱۱/۵۴ و لوقا
۴/۳۰ مذکوراست .

۶- داستان راندن تاجران از مسجد در انجیل متی فصل
۲۱/۲۱ و مرقس ۱۱/۱۵ و یوحنا ۲/۴ و لوقا فصل ۱۹/۴۵
مسطوراست .

۷- داستان نفرین بدریخت متی فصل ۲۱/۱۹ و مرقس
۱۱/۲۰ مسطوراست .

۸- داستان شکوه مسیح در متی فصل ۲۷/۴۶ و مرقس فصل
۱۵/۳۴ مسطوراست .

۹- معنی واضحست در انجیل متی فصل ۸/۳۰ و مرقس فصل
۵/۱۱ و لوقا فصل ۸/۲۷ مسطوراست .

بند نود و هفتم

- ۱- آن خدائیکه محیی است و ممیت
دین اسلام را کند توقیت
- ۲- مدت آن هزارود صد و شصت
این سخن خصم را کند تبکییت
- ۳- بود عیسی اگر عما نوئییل
نیست احمد بغیر فارقلییت
- ۴- گفته عیسی که احتمال بلا
کرده حقیقت نبی تشیییت
- ۵- نان یطعمنی آب یسقیی
خورد مهمان عند ربی ابیییت
- ۶- آنکه از سفره لوجه الله
هدیه آورد نعمت او تییت
- ۷- بود مزدش زخلق ما اودی
من نبی بمثل ما اودییت
- ۸- چون توانست گرن بود از حق
شمل لات وهبل کند تشیییت
- ۹- گفت یحیی یدی گشاده نشد
کز حقش اقتدا داده نشد

- ۱- ۲- اشاره بمندرجات مکاشفات یوحنا فصل ۱۱ / ۲ •• است برای تفصیل بکتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود •
- ۳- مسیحین با استناد انجیل نبوت وارد در کتاب اشعیا فصل ۷ / رادرباره مسیح ذکر کرده و میگویند مقصود از طفلی که از باکره متولد و اسمش عمانوئیل است حضرت مسیح است مرحوم نعیم میفرماید تطبیق کلمه فارقلیط مذکور در باب ۱۶ انجیل یوحنا با ظهور حضرت رسول (ص) بمراتب واضحتر و صحیح تر از تفسیر نبوت اشعیا در باره مسیح است برای تفصیل بکتاب استدلایه مراجعه شود •
- ۴- ۸- داستان محسوب شدن احتمال بلایا از علائم حقانیت مدعی در مواضع متعدده انجیل از جمله متی فصل ۱۰ مذکور شده که فرموده هر که صلیب خود را برداشته عقب من نیاید لایق من نباشد و در انجیل لوقا ۹ / ۵۸ و متی فصل ۲۰ / ۸ و فصل ۱۶ / ۱۰-۱۹ و غیره مذکور است بیت پنجم اشاره بحدیث نبوی است که فرمود ابيت عند ربی يطعمنی و یسقینی و بیت ششم اشاره بآیه انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا شکورا و حدیث نبوی است که فرمود ما اودی نبی بمثل ما اودی و مقصود واضحست •
- ۹- اشاره ببیان حضرت یحیی بن زکریا است که در انجیل یوحنا فصل ۳ / ۲۷ مذکور است که فرمود هیچکس چیزی نمیتواند بافت مگر آنکه از آسمان بدو داده شود •

بند بود و هشتم

- ۱- گفت عیسی که دین حق بمثل هست مانند حبه خردل تخم کوچک شود درخت بزرگ که در آن مرغها کنند محل
- ۲- باز گفت آن خمیرمایه بود که کند بسن فطییر را بمعدل
- ۴- اگر این گفته گفته عیسی است دین حق دارد احمد مرسل
- ۵- کسی از خوبش هیچ نتواند تا نگردد زحق بر او منزل
- ۶- اگر این گفته گفته یحیی است حق بود را کب حمار و جمل
- ۷- بکلام خدا تواند نطق آنکه از کردگار شد مرسل
- ۸- اگر این آیه نص انجیل است هست قرآن کلام عزوجل
- ۹- سخن حق چراغ رخشان است در میان کتب درخشان است

۱-۲- اشاره ببیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل

۱۳/۳۱۰۰ مسطوراست •

۳-۴- اشاره ببیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل

۱۳/۲۳ مسطوراست •

۵-۶- اشاره ببیان حضرت یحیی است که در انجیل یوحنا

فصل ۳/۲۷ مسطورومقصود ازراکب حماروجمل حضرت مسیح

وحضرت محمد است که در کتاب زکریا فصل ۹/۹۰۰۰ راجع

براکب حمارودر کتاب اشعیا فصل ۲۱/۷ درباره راکب جمل

بشارت داده شده است برای تفصیل بکتاب مربوطه مراجعه

شود زیرا مسیحیان ترجمه نبوت ها را از راه عناد نسبت باسلام

تغییر داده اند برای تفصیل بکتاب هدایه الحیاری ابن قیم

و کتاب الفارق وغیره مراجعه شود •

۷-۸- نص این بیان در انجیل یوحنا فصل ۳/۳۴ مسطور

است •

۹- اشاره ببیان پطرس رسول است که در فصل ۱/۱۹ نامه

دوم پطرس مسطوراست •

بند نبود ونهم

۱- گفت عیسی که داعی باطل

شود البته کشته وزائسل

۲- گفت شعیا که گفته است خدای

آیت کاذبان کنم باطل

۳- ارمیا گفته برطرف گردد

کذب کذاب وجعل هرجاعل

۴- گفت حزقیل دست حق باشد

بمکافات مفتوری عاجل

۵- بدروغ اربسی نبوت کرد

من نیم از هلاک او غافل

۶- گفت عیسی هر آن شجرکه نکاشت

پدر البته بر کند از گسل

۷- گفت یزدان با حمد مرسل

یثبت الحق ویز حق الباطل

۸- باز گفت ارسخن بما بندی

دست قدرت تو را بر درگ دل

۹- گوید اجماع وعقل ونقل و کتاب

یعلمون غدا من الکذاب

- ۱- اشاره بمندرجات فصل ۱۸. تثنیه عهد عتیق است که از قبل ذکر شده •
- ۲-۳- اشاره بمندرجات فصل ۲۵/۴۴ کتاب اشعیا است و در کتاب ارمیا در ضمن شرح حال انبیای کذب مانند شمعیا و حننیا از بین رفتن انبیای کذب به صریحست (کتاب ارمیا فصل ۱۵/۲۸ و فصل ۱۵/۴۸ و فصل ۳۲/۲۳ و فصل ۳۷/۲) ... غیره
- ۴-۵- بباب ۱۴ کتاب حزقیل آیه ۹ مراجعه شود و نیز بباب ۱/۱۳ ...
- ۶- یا انجیل متی فصل ۱۳/۱۵ مراجعه شود •
- ۷- بسوره الاسراء آیه ۸۱ مراجعه شود •
- ۸- بسوره الحاقه آیه ۴۴-۴۸ مراجعه شود •
- ۹- معنی واضحست و مصراع اخیر از قرآن است که در سوره القمر آیه ۲۶ نازل شده است •

بند صدم

- ۱- از حق احکام جوار امر هم که خدا گوید و مظاهر هم
- ۲- همه آیات حضرت موسی يك بیک را نمود ساخر هم
- ۳- زن عرافه روح اسموئیل بهر شاول نمود حاضر هم
- ۴- گفت شعیا تلف شود باطل گر کنند معجزات ظاهر هم
- ۵- گفت عیسی نبی بود یحیی گرچه معجز نکرد با هر هم
- ۶- باز گوید که معجزه طلبند قوم فاسق گروه فاجر هم
- ۷- هم تودانی مسیح معجزه نمی بهر مشرک نکرد و کافر هم
- ۸- شرط معجز همیشه ایقان بود دیدی اول به بین تو آخر هم
- ۹- از چه خواهند خارق عادات اینک انجیل و مصحف و تورات

- ۱- بیت اول اشاره بحجیت آیات وعدم کفایت معجزات اقتراحیه است که در جلد اول ذکر شد و بیت ثانی اشاره بمندرجات سفر خروج فصل ۲۲/۷ و فصل ۷/۸ میباشد *
- ۲- داستان زن عرافه یعنی غیبگودر کتاب اول شموئیل فصل ۲۸ مسطور است *
- ۳- اشاره بمندرجات فصل ۱/۱۳ ••• تورات تثنیه است *
- ۴- اشاره بمندرجات انجیل یوحنا فصل ۴/۱۰ میباشد *
- ۵- اشاره بمندرجات انجیل متی فصل ۱/۱۶ و فصل ۱۲/۲۸ است *
- ۶- اشاره بانجیل متی فصل ۵۸/۱۳ میباشد *
- ۷- ۸- معنی واضحست بکتاب استدلالیه مراجعه شود *

بند صد و یکم

- ۱- معجزات رایج معامله بود
بهر هر قوم ختم مسئله بود
- ۲- کفر از ایمان کجاشدی ممتاز
کفرودین را کجا مجادله بود
- ۳- و این همه رد معجزات قرآن
گوچه حاجت برفع غائله بود
- ۴- آنچه میخواستند اگر میکرد
قوم او را چرا از او گلله بود
- ۵- اگر او کرد و کس قبول نکرد
صرفه در ترک این معامله بود
- ۶- اگر آوردن اقرار بران سوز
بایهودش چرا مقاتله بود
- ۷- مرده ای مینمود اگر زنده
بانصاری نه در ماهله بود
- ۸- اگر آوردی آب و چشمه و باغ
گوچه لازم نزاع قافله بود
- ۹- چون کسی گفت و کرد حجت او ست
معجزه ربیبی نبوت او ست

- ۱-۵- معنی واضحست و آیات رد معجزات در قرآن از قبیل نگاشته شد از جمله بآیه سوره نبی اسرائیل وقالوا لن نؤمن لك *** مراجعه شود •
- ۶- اشاره بآیه قرآن سوره آل عمران است که یهود از حضرت رسول معجزات انبیای قبل را خواستند برای تفصیل بکتاب مبارک ایقان مراجعه شود •
- ۷- آیه مبارکه در سوره آل عمران آیه ۶۱ نازل شده است •
- ۸- اشاره بدخواست مشرکین از حضرت رسول است که در سوره بنی اسرائیل وارد شده و نص آیت در جلد اول مسطور است •
- ۹- معنی واضحست بکتاب استدلالیه مراجعه شود •

بند صد و دوم

- ۱- دعوی از شخص یاب معجزه است
آردامی کتاب معجزه است
- ۲- بی تانی و بی سکون قلم
هر سخن را جواب معجزه است
- ۳- آرزوی فدا براه حبیب
و آن شود مستجاب معجزه است
- ۴- نشدن کارگر هزاران تیر
لیک قطع طاب معجزه است
- ۵- از طرید شریک مسجونسی
بسلطین عتاب معجزه است
- ۶- وزا سیری مقیدی ساکن
در جهان انقلاب معجزه است
- ۷- سوی صد گونه ابتلا و خطیر
از قلوب الجذاب معجزه نیست
- ۸- آن بنا کو بصد هزار کلدنگ
من نگرده حزاب معجزه نیست
- ۹- بخدا این گروه پس خیراند
پاکه با چشم و گوش کور و کورند

۱- اشاره ببیان مبارک حضرت اعلی در باب عاشر: واحد رابع و باب اول واحد ثانی است قوله تعالی نفسیکه ۲۴ سال از عمر او گذشته و از علومی که کل بآنها متعلم میگشته متعری بوده و حال این نوع که تلاوت آیات مینماید بدون فکرو تأمل در عرض پنج ساعت هزار بیت در مناجات مینویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیه در علوم مقامات معرفت در توحید ...

۳- اشاره ببیان حضرت اعلی که "در کتاب قیوم الاسماء تفسیر سوره یوسف" مخاطباً لمحبو به الابهی فرموده "یا بقیة الله قد فدیت بکلی لك ورضیت السب فی سبیک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک ... الخ

۴- ۷- معنی واضحست *

۸- مضمون بیت از شاعر عرب است که گفته

آری کل بان لا یقوم بهادم فكيف بان خلفه الف هادم

۹- معنی واضحست *

بند صد و سوم

۱- خلقت اخلاق را منور کرد

نطقش آفاق را مسخر کرد

۲- قدرتش خلق خلق دیگر ساخت

این جهان را جهان دیگر کرد

۳- حکمتش اختلاف کل کسب

با براهین بهم برابر کرد

۴- علمش اسرار نفس و آفاق

بجهان ظاهر و صبور کرد

۵- کرمش هر فقیر مسکین را

از علوم و فنون توانگر کرد

۶- قوتش در میان بحرها

ملتی ثابت و مقرر کرد

۷- بملوک جهان شجاعت او

فاشا اعلای حکم داور کرد

۸- در بلیات استقامت او

دشمنان را ذلیل و مضطر کرد

۹- آنچه کرد او عیان زحقه راز

به بود یافنون شعبده باز

بند صد و چهارم

- ۱- از جمال قدم عیان و پدید
کیست آنکس که معجزات ندید
- ۲- آن یکی مال و آن دگر فرزند
و آن دگر هر چه خواست او بخشید
- ۳- ازین کشت خشک باران داد
در تن جان فسرده روح دمید
- ۴- بدعا هر اسیر داد نجسات
بلقا هر که بر مراد رسید
- ۵- هم عطا کرد هر که حاجت خواست
هم شفا داد هر که زر طلبید
- ۶- مال مسروق را نشانی داد
سر مستور را نمود پدید
- ۷- جبر پای شکسته کرد چنان
کز میان گرد استخوان روئید
- ۸- آن مناجات را که از سرشوق
خواندم از ملک ری بعکّه شنید
- ۹- معجزش لا تعد ولا تحصی است
دفترش صفحه همه دنیا است

- ۱- ۹- معنی ابیات واضحست در الواح مبارکه صریحاً نازلشده
که از طرف مظهر امرا لله خوارق عادات ظاهر گردید برای تفصیل
بکتاب درج لثالی هدایت جلد دوم مراجعه شود و نیز صفحه
۱۰۳ مجموعه اقتدارات و مفاوضات مبارک حضرت عبدالبه
صفحه ۲۸ و غیره مراجعه شود •
- و شرح مصراع در تن جان فسرده روح دمید بتفصیل در کتاب
تذکره الوفا صفحه ۲۴۱ از قلم مبارک حضرت عبدالبه
گردیده و سایر مضامین ابیات در بین احبام معروفست •

بند صد و پنجم

- ۱- جهد کن ای جوان و عالم باش
- عالم اندر همه معالم باش
- ۲- در ره دین حق مبلغ شو
- در علوم و فنون معلّم باش
- ۳- این دو اعلیٰ المقام دارین است
- تو در اعلیٰ المقام قائم باش
- ۴- تو مجادل باش و تند و غیرور
- ناصح و نیکخواه و سالم باش
- ۵- متکلم بنزد سامع شو
- متعلّم بنزد عالم باش
- ۶- بزبان راست گوید ست امین
- بندل آسوده و ملایم باش
- ۷- باش مظلوم یا بقاضی عدل
- متظلم ز ظلم ظالم باش
- ۸- الغرض هر قدر که بتوانی
- از بی نوع و شخص خادم باش
- ۹- آنکه جو بای طلعت قدم است
- فانی از بهر خدمت امم است

بند صد و ششم

- ۱- منتصف شو بوصف حیّ قدیم
- دور باش از صفات دیورچیم
- ۲- چشم از عیب کائنات پیوش
- چون خدای توست تراست و علیم
- ۳- دست از جور و بغض و کین بردار
- چون خدای تو قدا دراست و حکیم
- ۴- لب خود در جواب خصم ببند
- چون خدای تو صابراست و حلیم
- ۵- پای از راه انتقام بکش
- چون خدای تو وفا فراست و رحیم
- ۶- سائلی راز خود مکن محروم
- چون خدای تو معطی است و کریم
- ۷- نیک نفس و بلند همت باش
- چون خدای تو عالی است و عظیم
- ۸- خویش را در خدای فانی کن
- چون خدای تو باقی است و قدیم
- ۹- خلق تو را بصورت خود کرد
- بتو تعریف خلقت خود کرد

۱- ۹- مقصود واضحست •

۹- اشاره ببیان تورات سفر تکوین و حدیث قدسی اسلام است که فرموده خلق الله الانسان علی صورته و مثاله و شرحش در مفاوضات مبارک موجود است و مصراع ثانی اشاره بآیه قرآن است که خداوند بعد از شرح خلقت انسان میفرماید فتبارک الله احسن الخالقین و باین جمله از خلقت انسان تعریف و توصیف فرموده است آیه شامل شرح خلقت انسان پیش از این گذشت •

بند صد و هفتم

- ۱- تو اگر صاحب درم باشی
جهد کن تا که با کرم باشی
- ۲- از وجودت بخلق خیری کن
تا وجودی به از عدم باشی
- ۳- مهربانی نما بخلق خدای
تا در نظر محترم باشی
- ۴- خویشتن را ز کس زیاد مگیر
ورنه از هر کس تو کم باشی
- ۵- از حسد و ز نفاق دوری جو
ورنه پیوسته در الم باشی
- ۶- گرد هر فتنه و جدال مگرد
ورنه در قید رنج و غم باشی
- ۷- بقضای نوشتنه راضی شو
ورنه افسرده و دژم باشی
- ۸- ظالم را طنت بهائی باش
ورنه کسی نخبه ام باشی
- ۹- در حقیقت هر آنکه اهل بهاست
حق به بهتر سنجیده اش آراست

بند صد و هشتم

- ۱- فاسق خفیه به زفا جرفاش
- فا حشه بهتر است از فحاش
- ۲- میبرد فاسق از مناهی عیش
- خوک را در کثافت است معاش
- بی ادب ز اهل دل خراشد دل
- سگ دیوانه میدراند لاش
- بردار غیبت آبرو نام
- کفن از مردد میبرد نباش
- ۵- ز اهل دنیا خواه مهر و وفا
- چشم گریه بود بکاسه آتش
- ۶- یار نادان همیشه دزد عمر
- دزد گاهی برد ز خانه قماش
- ۷- وصف دانا ز مدعی مطلب
- مدح خورشید کی کند خفاش
- ۸- تو بر اهل جهان غیاب و حضور
- آشکار و نهان بهائی باش
- ۹- هر که او منهج بهائی یافت
- از همه عیبها رهائی یافت
- ۹-۱- مقصود واضحست و نباش در بیت چهارم کسی است که
- قبرها را میشکافد و کفن مردگان را میدزد *

بند صد و نهم

- ۱- آنچه در این ورق گذاشته ام
- سخن حق بحق گذاشته ام
- ۲- جوهر جان خود در این کلمات
- بهر تو بر ورق گذاشته ام
- ۳- و آنچه دزدیدم از خزانه حق
- بیریا بر طبق گذاشته ام
- ۴- اندر اثبات حق بمقل و بنقل
- پابفرق فرق گذاشته ام
- ۵- لیکن از اختصار هر مطلب
- فیل در گوش بق گذاشته ام
- ۶- ناتمام آنچه بنگری ز کتب
- عطف بر ما سبق گذاشته ام
- ۷- شرح و تفصیل و مطلب و تاریخ
- از بی مستحق گذاشته ام
- ۸- بهر تو من تذکر و تعلیم
- بهر خود طعن و دق گذاشته ام
- ۹- بهر جان تو جان بنده هدف
- زانکه من صنف قد استهدف

۱-۹- مقصود واضحست در بیت پنجم کلمه بق بمعنی پشه است و مقصود آنستکه مطالب مفصل را در ابیات بطوری مجمل و فشرده ذکر کرده ام مثل آنکه فیل عظیم را بقدری کوچک کنید که در گوش پشه جای گیرد و کلمه دق در بیت هشتم بمعنی طعنه و عیبجوئی است و بیت آخر شامل مثل معروفست که گویند من صنف قد استهدف یعنی هر کس کتابی تصنیف کند خود را در معرض ایذاء و اعتراض مردم قرار میدهد •

بند صد و یازدهم

۱- ای خدا ذوق نکته دانی ده

ره سوی نکته نهایی ده

چشم را نور حقشناسی بخش

گوش را هوش حقشنائی ده

۳- قلب را جستجوی حق جوئی

روح را رزق آسمانی ده

۴- عمر را زندگی جاویدان

جان باقی بعمرفانی ده

۵- جمله را با مقربان حضور

همنشینی وهم زبانی ده

۶- ظلمات است جمله کلمات

توازن آب زندگانی ده

۷- لفظ و معنی بقدر دانشما ست

توبالفاظ مامعانی ده

۸- آنچه میباید آنچه میشاید

ماند انیم آنچه دانی ده

۹- انك انت قاضی الحاجات

عالم الغیب رافع الدرجات

غلط نامنامه

شماره صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۳	مره	مرة
۴	۶	میابد	می یابد
۵	۲	بابلان	ببلان
۶	۱	اشعیای	اشعیای نبی
۷	۱۵	سوی	سوری
۸	۱	ابیت	ابیات
۱۱	۳	بید	بیبید
۱۵	۱۸	آزارد	آزاد
۱۹	۲	محاكمه	محكمه
۳۵	۲	حد	محد
۳۵	۳	جزجز	جزه جزه
۳۵	۶	قیل	قبیل
۳۶	۳	تعقیب	تفصیل
۳۷	۷	دهد	دهد
۳۸	۳	میگردد	میگیرد
۳۹	۹	علیهم	علیهم
۴۰	۹	دانیال یوحنا	دانیال و یوحنا
۴۴	۱۴	انتظاراتیست	انذاراتیست
۴۶	۱۵	دواصبح	دواصبح
۴۸	۴	بیدا	پیدا

شماره صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸۸	۱	در آیه در آیه ۷	در آیه ۷
۹۱	۴	آن نیز	آن نبی
۹۱	۱۸	اکلها	اکلها
۹۳	۱	بگر	بگر
۹۳	۱۵	بتر	بتر
۹۵	۲	زیت	زیت
۹۵	۱۰	عاده	عاده
۹۸	۲	تارالله	تارالله
۱۰۲	۴	ولی	ولص
۱۰۳	۷	ات	ات
۱۰۴	۱۰	اقتربت	اقتربت
۱۰۵	۵	الشقاء	الشفاء
۱۰۶	۳	یطلان	بطلان
۱۰۸	۱۶	طاعت و داد	طاعت و داد
۱۱۹	۴	شئما	شئما
۱۲۱	۱	دعوه	دعوه
۱۲۴	۱	فملاقيه	فملاقيه
۱۲۷	۴	سمل	بسمل
۱۲۷	۱۲	مستقبل	مستقبل
۱۳۲	۱۶	مهجور	مهجور
۱۴۰	۱۰	توب	توب
۱۴۴	۱۶	عطا عباد	عطا عباد

شماره صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۹	۱	بلوتهاثیست	بلوتهاثی است
۵۴	۵	دعو	دعوت
۵۵	۱۳	فارمهم	فارسهم
۵۶	۵	هست	هست
۵۹	۲	فروغ	فروع
۵۹	۲	ما	بما
۶۱	۳	بخوش	بخویش
۶۴	۹	ازیک	اریک
۶۶	۵	تهیه	تهیه
۶۹	۱۳	تواند	توآمد
۷۰	۱۴	احسام	اجسام
۷۳	۸	اوراسکان	اورامکان
۷۳	۱۶	کعبه الرحمان	کعبه الرحمان
۷۵	۳	دو مصراع	در مصراع
۷۶	۷	بی بی شحنه	بی شحنه
۷۶	۱۱	تجل	تحمل
۷۶	۱۱	مرهوم	مرهوم
۷۸	۳	مه	مد
۸۳	۱	معلی	یعلی
۸۴	۱۱	زیر	زیر
۸۷	۴	کلیهم	کلمهم
۸۷	۱۱	بمعرفة	بمعرفة